

استاندارد بین‌المللی حسابداری 19
مزایای کارکنان

فهرست مندرجات

<u>از بند</u>	
1	هدف
2	دامنه کاربرد
8	تعاریف
9	مزایای کوتاه‌مدت کارکنان
11	شناخت و اندازه‌گیری
11	تمام مزایای کوتاه‌مدت کارکنان
13	مرخصیهای استحقاقی کوتاه‌مدت
19	طرحهای پاداش . مشارکت در سود
25	افشا
26	مزایای دوران بازنشستگی: تمایز بین طرحهای با کمک معین و طرحهای با مزایای معین
32	طرحهای چندکارفرمایی
40	طرحهای با مزایای معینی که ریسکها را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک، تقسیم می‌کند
43	طرحهای دولتی
46	مزایای بیمه شده
50	مزایای دوران بازنشستگی: طرحهای با کمک معین
51	شناخت و اندازه‌گیری
53	افشا
55	مزایای دوران بازنشستگی: طرحهای با مزایای معین
56	شناخت و اندازه‌گیری
61	حسابداری تعهدات عرفی
63	صورت وضعیت مالی
66	شناخت و اندازه‌گیری: ارزش فعلی تعهدات مزایای معین و مخارج خدمات جاری
67	روش ارزشیابی مبتنی بر اکچوئری
70	تخصیص مزایا به دوره‌های ارائه خدمت
75	مفروضات اکچوئری
81	مفروضات اکچوئری: مرگ و میر
83	مفروضات اکچوئری: نرخ تنزیل
87	مفروضات اکچوئری: حقوق، مزایا و مخارج بهداشتی-درمانی
99	مخارج خدمت گذشته و سودها و زیانهای تسویه
102	مخارج خدمت گذشته
109	سودها یا زیانهای تسویه
113	شناخت و اندازه‌گیری: داراییهای طرح
113	ارزش منصفانه داراییهای طرح
116	استرداد وجوه
120	اجزای مخارج مزایای معین

استاندارد بین‌المللی حسابداری 19
مزایای کارکنان

123	بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین
127	تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین
131	ارائه
131	تهاتر
133	تمایز جاری/غیرجاری
134	اجزای مخارج مزایای معین
135	افشا
139	ویژگیهای طرحهای با مزایای معین و ریسکهای مربوط به آنها
140	تشریح مبالغ مندرج در صورتهای مالی
145	مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان نسبت به جریانهای نقدی آتی
148	طرحهای چندکارفرمایی
149	طرحهای با مزایای معینی که ریسک را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک تقسیم میکنند
151	الزامات افشا در سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی
153	سایر مزایای بلندمدت کارکنان
155	شناخت و اندازه‌گیری
158	افشا
159	مزایای خاتمه خدمت
165	شناخت
169	اندازه‌گیری
171	افشا
172	تاریخ اجرا و گذار پیوستها الف رهنمود بکارگیری

استاندارد بین‌المللی حسابداری 19

مزایای کارکنان

هدف

1. هدف این استاندارد، تعیین نحوه حسابداری و افشای مزایای کارکنان است. این استاندارد واحد تجاری را ملزم به شناسایی موارد زیر می‌کند:

- الف. بدهی، در صورتی که کارکنان در ازای مزایای کارکنان که در آینده پرداخت خواهد شد، خدمتی را ارائه کرده باشند؛ و
- ب. هزینه، در صورتی که واحد تجاری منافع اقتصادی ناشی از خدمت ارائه‌شده توسط کارکنان در ازای مزایای کارکنان را به مصرف رسانده باشد.

دامنه کاربرد

2. این استاندارد باید توسط کارفرما برای حسابداری تمام مزایای کارکنان، به غیر از مزایایی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 2 پرداخت مبتنی بر سهام در مورد آنها کاربرد دارد، مورد استفاده قرار گیرد.

3. این استاندارد، گزارشگری توسط طرحهای مزایای کارکنان را مطرح نمی‌کند (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 26 حسابداری و گزارشگری توسط طرحهای مزایای بازنشستگی مراجعه شود).

4. مزایای کارکنان که این استاندارد در مورد آنها کاربرد دارد، شامل مواردی است که:

الف. طبق طرحهای رسمی یا سایر توافقیهای رسمی بین واحد تجاری و هر یک از کارکنان، گروههای کارکنان یا نمایندگان آنها ارائه می‌شود؛

ب. طبق الزامات قانونی یا از طریق توافقیهای صنعت، که به موجب آن، واحدهای تجاری ملزم به کمک به طرحهای ملی، دولتی، صنعت یا سایر طرحهای چندکارفرمایی هستند، ارائه می‌شود؛ یا

پ. توسط رویه‌های غیررسمی که تعهد عرفی ایجاد می‌کنند، ارائه می‌شود. رویه‌های غیررسمی در مواردی منجر به تعهد عرفی می‌شود که واحد تجاری هیچ گزینه عملی به غیر از پرداخت مزایای کارکنان نداشته باشد. نمونه‌ای از یک تعهد عرفی، موردی است که تغییر در رویه‌های غیررسمی واحد تجاری، منجر به آسیب غیرقابل پذیرش به رابطه آن با کارکنان می‌شود.

5. مزایای کارکنان شامل موارد زیر است:

الف. مزایای کوتاه مدت کارکنان از جمله موارد زیر مشروط بر اینکه انتظار رود در کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری سالانه‌ای که کارکنان خدمات مربوط را در آن ارائه می‌کنند، بطور کامل تسویه شوند:

1. دستمزد، حقوق و کمکهای تأمین اجتماعی؛
 2. مرخصی استحقاقی سالانه و مرخصی استعلاجی با حقوق؛
 3. پاداشها و مشارکت در سود؛ و
 4. مزایای غیرپولی (مانند خدمات درمانی، مسکن، خودرو و کالاها یا خدمات رایگان یا یارانه‌ای) برای کارکنان فعلی؛
- ب. مزایای دوران بازنشستگی، مانند موارد زیر:
1. مزایای بازنشستگی (مانند مستمری بازنشستگی و پرداختهای یکجای بازنشستگی)؛ و
 2. سایر مزایای دوران بازنشستگی، مانند بیمه عمر دوران بازنشستگی و خدمات درمانی دوران بازنشستگی؛
- پ. سایر مزایای بلندمدت کارکنان، مانند موارد زیر:
1. مرخصیهای بلندمدت با حقوق مانند مرخصی خدمت بلندمدت یا فرصت مطالعاتی؛
 2. مزایای وفاداری بلندمدت یا سایر مزایای خدمت بلندمدت؛ و
 3. مزایای ازکارافتادگی بلندمدت؛ و
- ت. مزایای خاتمه خدمت.

6. مزایای کارکنان شامل مزایایی است که به کارکنان یا افراد تحت تکفل یا ذینفعان آنها اعطا می‌شود و ممکن است از طریق پرداختهایی (یا تأمین کالاها یا خدمات) که بطور مستقیم به کارکنان، همسران، فرزندان یا سایر افراد تحت تکفل آنها یا به دیگران، مانند شرکتهای بیمه، صورت می‌گیرد، تسویه شود.

7. کارکنان ممکن است به صورت تمام وقت، پاره وقت، دائمی، ساعتی یا موقت به واحد تجاری خدمات ارائه کنند. برای اهداف این استاندارد، کارکنان شامل مدیران و دیگر کارکنان رده مدیریت می‌باشد.

8. در این استاندارد، اصطلاحات زیر با معانی مشخص زیر بکار رفته است:

تعاریف مزایای کارکنان

مزایای کارکنان تمام اشکال مابه‌ازا می‌باشد که واحد تجاری در مقابل خدمت ارائه شده توسط کارکنان یا بابت خاتمه خدمت به آنان می‌پردازد.

مزایای کوتاه‌مدت کارکنان مزایای کارکنان (به غیر از مزایای خاتمه خدمت) است که انتظار می‌رود در کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری سالانه‌ای که کارکنان خدمت مربوط را در آن ارائه می‌کنند، بطور کامل تسویه شود.

مزایای دوران بازنشستگی مزایای کارکنان (به غیر از مزایای خاتمه خدمت و مزایای کوتاه‌مدت) است که پس از خاتمه خدمت، قابل پرداخت می‌شود.

سایر مزایای بلندمدت کارکنان تمام مزایای کارکنان به غیر از مزایای کوتاه‌مدت کارکنان، مزایای دوران بازنشستگی و مزایای خاتمه خدمت می‌باشد.

مزایای خاتمه خدمت مزایای کارکنان است که در ازای خاتمه خدمت کارکنان در نتیجه یکی از موارد زیر ارائه می‌شود:

الف. تصمیم واحد تجاری برای خاتمه خدمت کارکنان پیش از تاریخ بازنشستگی عادی؛ یا

ب. تصمیم کارکنان برای پذیرش مزایای پیشنهادشده در ازای خاتمه خدمت.

تعاریف مربوط به طبقه‌بندی طرحها

طرحهای مزایای دوران بازنشستگی توافقه‌های رسمی یا غیررسمی هستند که بر اساس آنها، واحد تجاری به یک یا چند نفر از کارکنان، مزایای دوران بازنشستگی پرداخت می‌کند.

طرحهای با کمک معین طرحهای مزایای دوران بازنشستگی است که بر اساس آن، واحد تجاری کمکه‌های ثابتی به یک واحد تجاری جداگانه (صندوق) می‌پردازد و در صورتی که صندوق، برای پرداخت تمام مزایای کارکنان در ارتباط با خدمت کارکنان در دوره‌های جاری و گذشته، داراییهای کافی در اختیار نداشته باشد، واحد تجاری برای پرداخت کمکه‌های بیشتر، هیچ‌گونه تعهد قانونی یا عرفی ندارد.

طرحهای با مزایای معین طرحهای مزایای بازنشستگی به غیر از طرحهای با کمک معین می‌باشد.

طرحهای چند کارفرمایی طرحهای با کمک معین (به غیر از طرحهای دولتی) یا طرحهای با مزایای معین (به غیر از طرحهای دولتی) است که:

الف. داراییهای تأمین‌شده توسط واحدهای تجاری مختلف را که تحت کنترل مشترک نیستند، جمع می‌کند؛ و

ب. از آن داراییها برای فراهم کردن مزایا برای کارکنان بیش از یک واحد تجاری استفاده می‌کند، به‌گونه‌ای که سطوح کمک و

مزایا، صرف‌نظر از هویت واحد تجاری که کارکنان را استخدام می‌کند، تعیین می‌شود.

تعاریف مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین

خالص بدهی (دارایی) مزایای معین کسری یا مازادی است که بابت هرگونه اثر محدودکردن خالص دارایی مزایای معین تا میزان سقف دارایی، تعدیل می‌شود.

کسری یا مازاد عبارت است از:

الف. ارزش فعلی تعهدات مزایای معین پس از کسر

ب. ارزش منصفانه داراییهای طرح (در صورت وجود).

سقف دارایی ارزش فعلی هرگونه منافع اقتصادی در دسترس در قالب استرداد وجوه از طرح یا کاهش کمکهای آتی به طرح می‌باشد.

ارزش فعلی تعهدات مزایای معین عبارت است از ارزش فعلی پرداختهای آتی مورد انتظار، بدون کسر داراییهای طرح، که برای تسویه تعهدات ناشی از خدمت کارکنان در دوره‌های جاری و گذشته الزامی می‌باشد.

داراییهای طرح شامل موارد زیر است:

الف. داراییهای نگهداری‌شده توسط صندوق مزایای بلندمدت کارکنان؛ و

ب. بیمه‌نامه‌های واجد شرایط.

داراییهای نگهداری‌شده توسط صندوق مزایای بلندمدت کارکنان داراییهایی (به غیر از ابزارهای مالی غیر قابل انتقال منتشرشده توسط واحد گزارشگر) است که:

الف. توسط واحد تجاری (صندوقی) نگهداری می‌شود که شخصیت حقوقی آن مستقل از واحد گزارشگر است و صرفاً به منظور پرداخت یا تأمین مالی مزایای کارکنان ایجاد شده است؛ و

ب. تنها برای پرداخت یا تأمین مالی مزایای کارکنان در دسترس است، در دسترس اعتباردهندگان واحد گزارشگر نمی‌باشد (حتی هنگام ورشکستگی) و نمی‌تواند به واحد گزارشگر برگردانده شود، مگر اینکه:

1. داراییهای باقیمانده صندوق برای ایفای تمام تعهدات مزایای کارکنان مرتبط با طرح یا واحد گزارشگر کافی باشد؛ یا

2. داراییها برای جبران مزایایی که قبلاً توسط واحد گزارشگر به کارکنان پرداخت شده است، به آن واحد برگردانده شود.

بیمه‌نامه واجد شرایط بیمه‌نامه‌ای¹ است که توسط بیمه‌گری که شخص وابسته (طبق تعریف استاندارد بین‌المللی حسابداری 24 افشای اطلاعات اشخاص وابسته) واحد گزارشگر نیست، صادر شده است، مشروط بر اینکه عواید بیمه‌نامه:

1. بیمه‌نامه واجد شرایط، لزوماً یک قرارداد بیمه، طبق تعریف مندرج در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 4 قراردادهای بیمه نیست.

الف. تنها برای پرداخت یا تأمین مالی مزایای کارکنان طبق طرح با مزایای معین قابل استفاده باشد؛ و

ب. در دسترس اعتباردهندگان واحد گزارشگر (حتی هنگام ورشکستگی) و قابل پرداخت به واحد گزارشگر نباشد، مگر اینکه:

1. این عواید نشان‌دهنده داراییهای مازادی باشد که بیمه‌نامه برای ایفای تمام تعهدات مزایای کارکنان به آن نیازی نداشته باشد؛ یا
2. این عواید برای جبران مزایایی که قبلاً توسط واحد گزارشگر به کارکنان پرداخت شده است، به آن واحد برگردانده شود.

ارزش منصفانه قیمتی است که برای فروش یک دارایی یا انتقال یک بدهی در معاملهای متعارف بین فعالان بازار، در تاریخ اندازه‌گیری قابل دریافت یا قابل پرداخت خواهد بود. (به استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه مراجعه شود).

تعاریف مربوط به مخارج مزایای معین

مخارج خدمت از موارد زیر تشکیل شده است:

الف. مخارج خدمت جاری که افزایش در ارزش فعلی تعهدات مزایای معین ناشی از خدمت کارکنان در دوره جاری است؛

ب. مخارج خدمت گذشته که تغییر در ارزش فعلی تعهدات مزایای معین بابت خدمت کارکنان در دوره‌های گذشته، در نتیجه اصلاح طرح (معرفی یا انصراف از، یا تغییر در طرح با مزایای معین) یا محدودسازی طرح (کاهش بااهمیت در تعداد کارکنان تحت پوشش طرح توسط واحد تجاری) است؛ و

پ. هرگونه سود یا زیان تسویه.

بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین، تغییر در خالص بدهی (دارایی) مزایای معین طی دوره است که از گذشت زمان ناشی می‌شود.

تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین از موارد زیر تشکیل شده است:

الف. سودها و زیانهای اکچوئری؛

ب. بازده داراییهای طرح، به غیر از مبالغ لحاظ‌شده در بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین؛ و

پ. هرگونه تغییر در اثر سقف دارایی، به غیر از مبالغ لحاظ‌شده در بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین.

سودها و زیانهای اکچوئری تغییرات در ارزش فعلی تعهدات مزایای معین است که از موارد زیر ناشی می‌شود:

الف. تعدیلات تجربی (آثار تفاوت بین مفروضات قبلی اکچوئری و آنچه واقعاً رخ داده است)؛ و

ب. آثار تغییر در مفروضات اکچوئری.

بازده داراییهای طرح عبارت است از بهره، سود تقسیمی و سایر درآمدهای ناشی از داراییهای طرح، همراه با سودها یا زیانهای تحقق‌یافته و تحقق‌نیافته داراییهای طرح، پس از کسر موارد زیر:

الف. هرگونه مخارج مدیریت داراییهای طرح؛ و

ب. هرگونه مالیات پرداختنی توسط طرح، به غیر از مالیات لحاظ‌شده در مفروضات اکچوئری که برای اندازه‌گیری ارزش فعلی تعهدات مزایای معین، مورد استفاده قرار گرفته است.

تسویه معامله‌ای است که تمام تعهدات قانونی یا عرفی اضافی بابت تمام یا بخشی از مزایای تأمین‌شده طبق طرح مزایای معین را حذف می‌کند، به غیر از پرداخت مزایا به کارکنان یا از طرف آنها، که طبق شرایط طرح تعیین و در مفروضات اکچوئری در نظر گرفته می‌شود.

مزایای کوتاه‌مدت کارکنان

9. مزایای کوتاه‌مدت کارکنان، شامل اقلامی مانند موارد زیر است که انتظار می‌رود در کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزار شگری سالانه‌ای که کارکنان خدمات مربوط را در آن ارائه می‌کنند، بطور کامل تسویه شود:

الف. دستمزد، حقوق و کمکهای تأمین اجتماعی؛

ب. مرخصی استحقاقی سالانه و مرخصی استعلاجی با حقوق؛

پ. پاداشها و مشارکت در سود؛ و

ت. مزایای غیرپولی (مانند خدمات درمانی، مسکن، خودرو و کالاهای خدمات رایگان یا یارانه‌ای) برای کارکنان فعلی.

10. اگر انتظارات واحد تجاری درباره زمانبندی تسویه مزایای کوتاه‌مدت کارکنان بطور موقت تغییر کند، نیازی به تجدید طبقه‌بندی مزایای مزبور توسط واحد تجاری نیست. با این وجود، اگر ویژگیهای مزایا تغییر کند (مانند تغییر از مزایای غیرانباشت‌شونده به مزایای انباشت‌شونده) یا اگر تغییر در انتظارات نسبت به زمانبندی تسویه، موقتی نباشد، در این صورت واحد تجاری بررسی می‌کند که آیا مزایا هنوز تعریف مزایای کوتاه‌مدت کارکنان را احراز می‌کند یا خیر.

شناخت و اندازه‌گیری

تمام مزایای کوتاه‌مدت کارکنان

11. در صورتی که کارکنان طی دوره حسابداری خدمتی را به واحد تجاری ارائه کرده باشند، واحد تجاری باید مبلغ تنزیل‌نشده مزایای کوتاه‌مدت کارکنان را که انتظار می‌رود در ازای آن خدمت پرداخت شود، به صورت زیر شناسایی کند:

الف. به عنوان بدهی (هزینه‌های پرداختنی) پس از کسر مبالغی که قبلاً پرداخت شده است. در صورتی که مبلغ پرداخت‌شده قبلی

بیش از مبلغ تنزیل‌نشده مزایا باشد، واحد تجاری باید مازاد مزبور را تا میزانی که پیش‌پرداخت، برای مثال منجر به کاهش در پرداخت‌های آتی یا استرداد وجوه می‌شود، به عنوان دارایی (پیش‌پرداخت هزینه) شناسایی کند؛ و

ب. به عنوان هزینه، مگر اینکه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری، احتساب مزایا در بهای تمام شده یک دارایی را مجاز یا الزامی کرده باشد (برای مثال، به استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 موجودیها و استاندارد بین‌المللی حسابداری 16 املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات مراجعه شود).

12. در بندهای 13، 16 و 19، تشریح می‌شود که واحد تجاری چگونه باید برای مزایای کوتاه‌مدت کارکنان در قالب مرخصیهای استحقاقی و طرحهای پاداش و مشارکت در سود، بند 11 را بکار گیرد.

مرخصیهای استحقاقی کوتاه مدت

13. واحد تجاری باید مخارج مورد انتظار مزایای کوتاه‌مدت کارکنان به شکل مرخصی استحقاقی را طبق بند 11 به شرح زیر شناسایی کند:

الف. در مورد مرخصیهای استحقاقی انباشت‌شونده، در زمانی که کارکنان خدمتی ارائه می‌کنند که حق آنها نسبت به مرخصی استحقاقی آتی را افزایش می‌دهد.

ب. در مورد مرخصیهای استحقاقی غیرانباشت‌شونده، در زمان استفاده از مرخصی.

14. واحد تجاری ممکن است بابت استفاده کارکنان از مرخصی به دلایل مختلفی مانند تعطیلات، بیماری و ازکارافتادگی کوتاه‌مدت، زایمان، مسائل قضایی و خدمت سربازی پرداخت‌هایی به کارکنان داشته باشد. استحقاق بابت مرخصیهای استحقاقی در دو دسته قرار می‌گیرد:

الف. انباشت‌شونده؛ و

ب. غیرانباشت‌شونده.

15. مرخصیهای استحقاقی انباشت‌شونده به مواردی اطلاق می‌شود که اگر در دوره جاری بطور کامل استفاده نشود، به دوره‌های آتی منتقل می‌شود و می‌تواند در دوره‌های آتی مورد استفاده قرار گیرد. مرخصیهای استحقاقی انباشت‌شونده ممکن است قابل بازخرید باشد (به بیان دیگر، کارکنان بابت مرخصی استفاده‌نشده استحقاقی، هنگام ترک واحد تجاری استحقاق دریافت نقد داشته باشند) یا قابل بازخرید نباشد (کارکنان بابت مرخصی استحقاقی استفاده‌نشده، هنگام ترک واحد تجاری استحقاق دریافت نقد نداشته باشند). تعهد هنگامی ایجاد می‌شود که کارکنان خدمتی را ارائه کنند که حق آنها نسبت به مرخصیهای استحقاقی آتی را افزایش دهد. حتی اگر مرخصیهای استحقاقی قابل بازخرید نباشد، این تعهد وجود دارد و

شناسایی می‌شود، اگرچه، امکان ترک واحد تجاری توسط کارکنان پیش از استفاده از مرخصیهای استحقاقی انباشت‌شونده غیرقابل بازخرید، بر اندازه‌گیری تعهد تأثیر دارد.

16. واحد تجاری باید مخارج مورد انتظار مرخصیهای استحقاقی انباشت‌شونده را به عنوان مبلغ اضافه‌ای اندازه‌گیری کند که واحد تجاری انتظار دارد در نتیجه مرخصی استحقاقی استفاده‌نشده انباشته‌شده در پایان دوره گزارشگری، پرداخت نماید.

17. روش بیان‌شده در بند قبل، تعهد را به میزان مبلغ پرداختهای اضافه‌ای اندازه‌گیری می‌کند که انتظار می‌رود صرفاً ناشی از این موضوع باشد که مزایا انباشته می‌شوند. در بسیاری از موارد، ممکن است واحد تجاری برای برآورد عدم وجود تعهد با اهمیت بابت مرخصیهای استحقاقی استفاده‌نشده، نیازی به انجام محاسبات تفصیلی نداشته باشد. برای مثال، تعهد مرخصی استعلاجی، احتمالاً تنها در صورتی با اهمیت است که در خصوص اینکه مرخصی استعلاجی با حقوق استفاده‌نشده، همانند مرخصی استحقاقی سالانه در نظر گرفته شود، توافق رسمی یا غیررسمی وجود داشته باشد.

مثال مربوط به بندهای 16 و 17
<p>یک واحد تجاری 100 کارمند دارد که هر یک، حق استفاده از پنج روز مرخصی استعلاجی با حقوق در هر سال دارند. مرخصی استعلاجی استفاده‌نشده، برای یک سال تقویمی، قابل انتقال است. ابتدا مرخصیهای استعلاجی دوره جاری و سپس هرگونه مانده منتقل‌شده از سال گذشته، مورد استفاده قرار می‌گیرد (مبنای لایفو). در 31 دسامبر سال 20x1، میانگین مرخصیهای استفاده‌نشده، دو روز به ازای هریک از کارکنان است. با توجه به تجارب گذشته که انتظار می‌رود ادامه داشته باشد، واحد تجاری انتظار دارد که 92 نفر از کارکنان، بیش از پنج روز از مرخصی استعلاجی با حقوق در سال 20x2 استفاده نکنند و 8 نفر دیگر بطور میانگین، شش و نیم روز از مرخصی استفاده کنند.</p> <p>واحد تجاری انتظار دارد 12 روز مرخصی استعلاجی اضافی در نتیجه مرخصی استفاده‌نشده انباشته‌شده در 31 دسامبر سال 20x1، پرداخت کند (یک‌ونیم روز به ازای هر نفر، برای 8 نفر از کارکنان). بنابراین، واحد تجاری یک بدهی معادل 12 روز پرداخت مرخصی استعلاجی شناسایی می‌کند.</p>

18. مرخصیهای استحقاقی غیرانباشت‌شونده به دوره‌های آتی منتقل نمی‌شوند: در صورت عدم استفاده کامل از این مرخصیها در دوره جاری، منقضی می‌شوند و کارکنان در زمان

ترک واحد تجاری بابت مرخصی استفاده نشده مستحق دریافت نقد نمی‌باشند. این موضوع، بطور معمول در مورد پرداختهای استعلاجی (به میزانی که مرخصی استفاده نشده در گذشته، حقوق آتی را افزایش نمی‌دهد)، مرخصی زایمان و مرخصیهای استحقاقی برای مسائل قضایی یا خدمت سربازی مصداق دارد. واحد تجاری تا زمان استفاده از مرخصی، هیچ مبلغی را به عنوان بدهی یا هزینه شناسایی نمی‌کند زیرا خدمت کارکنان موجب افزایش مبلغ این مزایا نمی‌شود.

طرحهای پاداش و مشارکت در سود

19. واحد تجاری تنها در صورتی باید مخارج مورد انتظار بابت پرداختهای مربوط به طرحهای پاداش و مشارکت در سود را طبق بند 11 شناسایی کند که:

الف. در نتیجه رویدادهای گذشته، تعهد فعلی قانونی یا عرفی برای چنین پرداختهایی داشته باشد؛ و

ب. بتوان به‌گونه‌ای قابل اتکا تعهد را برآورد کرد.

تعهد فعلی تنها زمانی وجود دارد که واحد تجاری هیچ گزینه عملی دیگری به غیر از انجام پرداختها نداشته باشد.

20. طبق برخی طرحهای مشارکت در سود، کارکنان تنها در صورتی که برای مدت معینی در واحد تجاری بمانند، سهمی از سود را دریافت می‌کنند. در چنین طرحهایی، در صورتی که خدمت کارکنان به واحد تجاری تا پایان دوره‌ای مشخص ادامه یابد، همزمان با ارائه خدمت توسط کارکنان که موجب افزایش مبلغ قابل پرداخت می‌شود، تعهد عرفی ایجاد می‌شود. اندازه‌گیری این تعهدات عرفی، نشان‌دهنده احتمال ترک واحد تجاری توسط برخی کارکنان بدون دریافت مبالغ مشارکت در سود است.

مثال مربوط به بند 20

یک طرح مشارکت در سود، واحد تجاری را ملزم می‌کند سهم معینی از سود دوره جاری را به کارکنانی که در کل سال خدمت ارائه کرده‌اند، پرداخت کند. اگر هیچ یک از کارکنان، واحد تجاری را در طول سال ترک نکنند، کل مبلغ مشارکت در سود برای آن سال 3 درصد سود خواهد بود. واحد تجاری برآورد می‌کند که گردش کارکنان موجب کاهش پرداختها به میزان $\frac{2}{5}$ درصد سود خواهد شد.

واحد تجاری، بدهی و هزینه به میزان $\frac{2}{5}$ درصد سود شناسایی می‌کند.

21. واحد تجاری ممکن است هیچ تعهد قانونی برای پرداخت پاداش نداشته باشد. با این وجود، در برخی موارد، واحد تجاری از رویه‌ای برای پرداخت پاداش برخوردار است. در چنین مواردی، واحد تجاری تعهد عرفی دارد زیرا هیچ گزینه عملی دیگری به غیر از پرداخت پاداش ندارد. اندازه‌گیری این تعهد عرفی، نشان‌دهنده احتمال ترک واحد تجاری توسط برخی کارکنان، بدون دریافت پاداش است.

22. واحد تجاری تنها زمانی می‌تواند برآوردی قابل اتکا از تعهد قانونی یا عرفی مربوط به طرح مشارکت در سود یا طرح پاداش داشته باشد که:

الف. شرایط رسمی طرح، فرمولی برای تعیین مبلغ مزایا داشته باشد؛

ب. واحد تجاری مبالغ قابل پرداخت را قبل از تأیید صورتهای مالی برای انتشار، تعیین کرده باشد؛ یا

پ. رویه گذشته شواهد روشنی از مبلغ تعهد عرفی واحد تجاری ارائه کند.

23. تعهد در طرحهای پاداش و مشارکت در سود، ناشی از خدمت کارکنان است و نتیجه معامله با مالکان واحد تجاری نمی‌باشد. بنابراین، واحد تجاری مخارج طرحهای پاداش و مشارکت در سود را به عنوان توزیع سود شناسایی نمی‌کند، بلکه به عنوان هزینه شناسایی می‌نماید.

24. اگر انتظار نرود که پرداختهای مربوط به مشارکت در سود و پاداش، در مدتی کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری که کارکنان خدمت مربوط را در آن دوره ارائه کرده‌اند، بطور کامل تسویه شود، آن پرداختها به عنوان سایر مزایای بلندمدت کارکنان در نظر گرفته می‌شود (به بندهای 153 تا 158 مراجعه شود).

افشا

25. اگرچه این استاندارد، موارد افشای مختص مزایای کوتاه مدت کارکنان را الزامی نمی‌کند، اما سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است افشاهایی را الزامی کنند. برای مثال، طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 24، افشای مزایای کارکنان برای مدیران اصلی الزامی است. استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 ارائه صورتهای مالی، افشای هزینه مزایای کارکنان را الزامی کرده است.

مزایای دوران بازنشستگی: تمایز بین طرحهای با کمک معین و طرحهای با مزایای معین

26. مزایای دوران بازنشستگی شامل اقلامی مانند موارد زیر است:

الف. مزایای بازنشستگی (مانند مستمری بازنشستگی و پرداختهای یکجای بازنشستگی)؛ و

ب. سایر مزایای دوران بازنشستگی، مانند بیمه عمر دوران بازنشستگی و خدمات بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی.

طرحهای مزایای دوران بازنشستگی، توافقهایی است که واحد تجاری بر اساس آن توافقهها، مزایای بازنشستگی را تأمین

می‌کنند. واحد تجاری برای تمام انواع این توافقات، صرف‌نظر از اینکه برای دریافت کمک‌ها و پرداخت مزایا شخصیت جداگانه‌ای تأسیس شود یا خیر، این استاندارد را بکار می‌گیرد.

27. طرح‌های مزایای دوران بازنشستگی، باتوجه به محتوای اقتصادی طرح که از مفاد و شرایط اصلی آن نشأت می‌گیرد، به طرح‌های با کمک معین یا طرح‌های با مزایای معین طبقه‌بندی می‌شوند.

28. در طرح‌های با کمک معین، تعهد قانونی یا عرفی واحد تجاری محدود به مبلغی است که واحد تجاری موافقت کرده است به صندوق کمک‌کند. از این رو، مبلغ مزایای بازنشستگی دریافتی توسط کارکنان، از طریق میزان کمک‌های پرداختی توسط واحد تجاری (و همچنین، کارکنان) به طرح مزایای بازنشستگی یا شرکت بیمه، همراه با بازده سرمایه‌گذاری کمک‌ها تعیین می‌شود. در نتیجه، ریسک اکچوئری (که مزایا کمتر از انتظار باشد) و ریسک سرمایه‌گذاری (که دارایی‌های سرمایه‌گذاری شده برای تأمین مزایای مورد انتظار کافی نباشد)، اساساً متوجه کارکنان است.

29. نمونه‌هایی از مواردی که تعهد واحد تجاری به میزان مبلغ توافق شده برای پرداخت به صندوق محدود نمی‌شود، هنگامی است که واحد تجاری از طریق موارد زیر، تعهد قانونی یا عرفی دارد:

الف. فرمول مزایای طرح، که صرفاً وابسته به مبلغ کمک‌ها نمی‌باشد و در صورتی که دارایی‌ها برای ایفای مزایای مندرج در فرمول مزایای طرح کافی نباشد، واحد تجاری ملزم به تأمین کمک‌های بیشتری است؛

ب. تضمین بازده معینی برای کمک‌ها، بطور غیرمستقیم از طریق طرح یا بطور مستقیم؛ یا

پ. رویه‌های غیررسمی که منجر به تعهد عرفی می‌شود. برای مثال، تعهد عرفی ممکن است هنگامی ایجاد شود که واحد تجاری سابقه افزایش مزایای کارکنان پیشین را متناسب با تورم داشته باشد، حتی اگر تعهد قانونی برای انجام این کار وجود نداشته باشد.

30. در طرح‌های با مزایای معین:

الف. واحد تجاری متعهد به تأمین مزایای مورد توافق برای کارکنان فعلی و پیشین است؛ و

ب. ریسک اکچوئری (که مخارج مزایا بیش از انتظار خواهد بود) و ریسک سرمایه‌گذاری، اساساً متوجه واحد تجاری است. در صورتی که تجربه سرمایه‌گذاری یا اکچوئری بدتر از انتظار باشد، تعهد واحد تجاری ممکن است افزایش یابد.

31. بندهای 32 تا 49، تمایز بین طرحهای با کمک معین و طرحهای با مزایای معین را در مورد طرحهای چندکارفرمایی، طرحهای با مزایای معینی که ریسک را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک تقسیم می‌کند، طرحهای دولتی و مزایای بیمه‌شده تشریح می‌کند.

طرحهای چندکارفرمایی

32. واحد تجاری باید طرح چندکارفرمایی را، طبق شرایط طرح (شامل هرگونه تعهد عرفی که فراتر از شرایط رسمی است)، به عنوان طرح با کمک معین یا طرح با مزایای معین طبقه‌بندی کند.

33. اگر واحد تجاری، در یک طرح با مزایای معین چندکارفرمایی مشارکت کند، غیر از مواردی که مشمول بند 34 است، باید:

الف. سهم نسبی خود از تعهدات مزایای معین، داراییهای طرح و مخارج مرتبط با طرح را به شیوه‌ای یکسان با سایر طرحهای با مزایای معین، به حساب منظور کند؛ و

ب. اطلاعات الزامی طبق بندهای 135 تا 148 (به غیر از بند 148(ت)) را افشا نماید.

34. هرگاه اطلاعات کافی برای استفاده از حسابداری مزایای معین برای یک طرح با مزایای معین چندکارفرمایی وجود نداشته باشد، واحد تجاری باید:

الف. طرح را همانند طرحهای با کمک معین، طبق بندهای 51 و 52 به حساب منظور کند؛ و

ب. اطلاعات الزامی طبق بند 148 را افشا نماید.

35. مثالی از یک طرح با مزایای معین چندکارفرمایی، موردی است که:

الف. طرح به صورت پرداخت از طریق وجوه دریافتی جاری تأمین مالی می‌شود: کمکها در سطحی تعیین می‌شود که انتظار می‌رود برای پرداخت مزایای سررسیدشده در همان دوره کافی باشد؛ و مزایای آتی کسب‌شده در دوره جاری از محل کمکهای آتی پرداخت خواهد شد؛ و

ب. مزایای کارکنان از طریق مدت خدمت آنها تعیین می‌شود و واحدهای تجاری مشارکت‌کننده در عمل امکان برداشت از طرح، بدون پرداخت کمک بابت مزایای کسب‌شده توسط کارکنان تا تاریخ برداشت را ندارند. چنین طرحی برای واحد تجاری ریسک اکچوئری ایجاد می‌کند: اگر مخارج نهایی مزایایی که قبلاً در پایان دوره گزارشگری کسب شده است بیشتر از انتظار باشد، واحد تجاری باید کمکها را افزایش دهد یا کارکنان را متقاعد کند کاهش مزایا را بپذیرند. بنابراین، چنین طرحی یک طرح با مزایای معین است.

36. در مواردی که اطلاعات کافی درباره طرح با مزایای معین چندکارفرمایی وجود دارد، واحد تجاری سهم نسبی خود از تعهدات مزایای معین، داراییهای طرح و مخارج دوران بازنشستگی مربوط به طرح را به شیوه‌ای یکسان با سایر طرحهای با مزایای معین به حساب منظور می‌کند. با وجود این، برای مقاصد حسابداری، واحد تجاری ممکن است نتواند سهم خود از وضعیت و عملکرد مالی طرح را با قابلیت اتکای کافی تعیین کند. این امر ممکن است در صورتی واقع شود که:

الف. طرح، واحدهای تجاری مشارکت‌کننده را در معرض ریسکهای اکچوئری مربوط به کارکنان فعلی و پیشین واحدهای تجاری دیگر قرار دهد که در نتیجه آن، هیچ مبنای یکنواخت و قابل اتکایی برای تخصیص تعهدات، داراییها و مخارج طرح به هر یک از واحدهای تجاری مشارکت‌کننده در طرح وجود نداشته باشد؛ یا

ب. واحد تجاری به اطلاعات کافی درباره طرح به منظور احراز الزامات این استاندارد، دسترسی نداشته باشد. در چنین مواردی، واحد تجاری طرح را مانند یک طرح با کمک معین در نظر می‌گیرد و اطلاعات الزامی طبق بند 148 را افشا می‌کند.

37. ممکن است توافق قراردادی بین طرح چندکارفرمایی و مشارکت‌کنندگان آن وجود داشته باشد که نحوه توزیع مازاد طرح (یا کسری تأمین مالی‌شده) بین مشارکت‌کنندگان را تعیین کند. مشارکت‌کننده در یک طرح چندکارفرمایی دارای چنین موافقتنامه‌ای که طرح را طبق بند 34 به عنوان طرح با کمک معین به حساب منظور می‌کند، باید دارایی یا بدهی ناشی از موافقتنامه قراردادی را شناسایی نماید و درآمد یا هزینه حاصل را در سود یا زیان دوره منظور کند.

مثال مربوط به بند 37

واحد تجاری در یک طرح با مزایای معین چندکارفرمایی مشارکت می‌کند که در آن، ارزشیابیهای طرح بر مبنای استاندارد بین‌المللی حسابداری 19 تهیه نمی‌شود. بنابراین، طرح را مانند طرح با کمک معین در نظر می‌گیرد. ارزشیابی تأمین مالی به شیوه‌ای متفاوت از استاندارد بین‌المللی حسابداری 19، بیانگر 100 میلیون واحد پول (الف) کسری است. این طرح، طبق قراردادی در مورد برنامه زمانی کمکها، با کارفرمایان مشارکت‌کننده در طرح به توافق رسیده است که در پنج سال آینده، کسری را برطرف کند. کل کمکهای واحد تجاری طبق قرارداد، 8 میلیون واحد پول است.

واحد تجاری، به میزان کمکهای تعدیل‌شده بابت ارزش زمانی پول، بدهی و معادل آن، در سود یا زیان دوره هزینه شناسایی می‌کند.

(الف) در این استاندارد، مبالغ پولی بر حسب "واحد پول" بیان می‌شود.

38. طرحهای چندکارفرمایی، با طرحهایی که به صورت گروهی اداره می‌شوند، تفاوت دارند. طرحهایی که به صورت گروهی اداره می‌شوند، صرفاً مجموعه‌ای از طرحهای تککارفرمایی هستند که ترکیب شده‌اند تا برای کارفرمایان مشارکت‌کننده، امکان تجمع داراییها برای اهداف سرمایه‌گذاری را فراهم کنند و مخارج اداره و مدیریت سرمایه‌گذاری را کاهش دهند، اما ادعای کارفرمایان مختلف، صرفاً به میزان مزایای کارکنان آنها است. طرحهایی که به صورت گروهی اداره می‌شوند، از نظر حسابداری، مسئله خاصی ایجاد نمی‌کنند زیرا برای برخورد با آنها به شیوه‌ای مشابه با طرحهای تککارفرمایی دیگر، اطلاعات به سادگی در دسترس است و چنین طرحهایی، واحدهای تجاری مشارکت‌کننده را در معرض ریسکهای اکتوئری مربوط به کارکنان فعلی و پیشین سایر واحدهای تجاری قرار نمی‌دهند. طبق تعاریف این استاندارد، واحد تجاری باید

طرح‌هایی را که به صورت گروهی اداره می‌شوند، طبق مفاد طرح (شامل هرگونه تعهد عرفی فراتر از مفاد رسمی)، به عنوان طرح‌های با کمک معین یا طرح‌های با مزایای معین طبقه‌بندی کند.

39. برای تعیین زمان شناسایی و چگونگی اندازه‌گیری بدهی مرتبط با خاتمه طرح با مزایای معین چندکارفرمایی، یا کناره‌گیری واحد تجاری از طرح با مزایای معین چندکارفرمایی، واحد تجاری باید استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 ذخایر، بدهیهای احتمالی و داراییهای احتمالی را بکار گیرد.

طرح‌های با مزایای معینی که ریسکها را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک تقسیم می‌کنند

40. طرح‌های با مزایای معینی که ریسکها را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک، برای مثال، واحد تجاری اصلی و واحدهای تجاری فرعی آن، تقسیم می‌کنند، طرح چندکارفرمایی محسوب نمی‌شوند.

41. واحد تجاری مشارکت‌کننده در چنین طرحی، باید درباره کل طرح به عنوان یک مجموعه که طبق این استاندارد بر مبنای مفروضات قابل استفاده برای کل طرح به عنوان یک مجموعه اندازه‌گیری می‌شود، اطلاعاتی به دست آورد. اگر برای منظور کردن خالص مخارج مزایای معین طرح به عنوان یک مجموعه واحد که طبق این استاندارد اندازه‌گیری شده است، به هر یک از واحدهای تجاری گروه، توافقی قراردادی یا رویه‌ای اظهارشده وجود داشته باشد، واحد تجاری باید در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد خود، خالص مخارج مزایای معین را که اینگونه تخصیص یافته است، شناسایی کند. در صورتی که چنین توافق یا رویه‌ای وجود نداشته باشد، خالص مخارج مزایای معین باید در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد واحد تجاری عضو گروه که از نظر حقوقی، کارفرمای پشتیبان طرح است، شناسایی شود. سایر واحدهای تجاری گروه باید در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد خود، مخارجی معادل کمک قابل پرداخت در آن دوره شناسایی کنند.

42. برای هر یک از واحدهای تجاری گروه، مشارکت در چنین طرحی معامله با اشخاص وابسته محسوب می‌شود. بنابراین، واحد تجاری باید در صورتهای مالی جداگانه یا منفرد خود، اطلاعات الزامی طبق بند 149 را افشا کند.

طرح‌های دولتی

43. واحد تجاری باید طرح دولتی را همانند یک طرح چندکارفرمایی به حساب منظور کند (به بندهای 32 تا 39 مراجعه شود).

44. طرحهای دولتی، برای پوشش تمام واحدهای تجاری (یا تمام واحدهای تجاری در طبقه‌ای خاص، برای مثال، یک صنعت خاص)، طبق قانون ایجاد می‌شوند و توسط دولت ملی یا محلی یا نهادی دیگر (برای مثال، سازمان مستقلی که بطور مشخص برای این هدف ایجاد شده است) که تحت کنترل یا نفوذ واحد گزارشگر نیست، اداره می‌شوند. برخی طرحهایی که توسط واحد تجاری ایجاد می‌شود، مزایای اجباری، به عنوان جایگزینی برای مزایایی که در صورت عضویت در طرح دولتی تحت پوشش قرار می‌گرفت، و مزایای داوطلبانه اضافی فراهم می‌کنند. این طرحها، طرحهای دولتی محسوب نمی‌شوند.

45. طرحهای دولتی، با توجه به تعهدات واحد تجاری طبق طرح، به طرحهای با مزایای معین یا طرحهای با کمک معین طبقه‌بندی می‌شوند. بسیاری از طرحهای دولتی، بر مبنای پرداخت از طریق وجوه دریافتی جاری تأمین مالی می‌شوند: کمکها در سطحی تعیین می‌شود که انتظار می‌رود برای پرداخت مزایایی که در همان دوره سررسید می‌شوند کافی باشد؛ مزایای آتی کسب‌شده در دوره جاری، از محل کمکهای آتی پرداخت می‌شود. با وجود این، در بیشتر طرحهای دولتی، واحد تجاری هیچ تعهد قانونی یا عرفی برای پرداخت مزایای آتی ندارد: تنها تعهد واحد تجاری پرداخت کمکها در سررسید آنها است و اگر واحد تجاری، استخدام اعضای طرح دولتی را متوقف کند، هیچ تعهدی برای پرداخت مزایای کسب‌شده توسط کارکنان خود در سالهای گذشته ندارد. به این دلیل، طرحهای دولتی معمولاً طرحهای با کمک معین محسوب می‌شوند. با وجود این، هرگاه طرح دولتی، طرح با مزایای معین باشد، واحد تجاری بندهای 32 تا 39 را بکار می‌گیرد.

مزایای بیمه‌شده

46. واحد تجاری ممکن است برای تأمین مالی یک طرح مزایای دوران بازنشستگی، حق بیمه پرداخت کند. واحد تجاری باید چنین طرحی را به عنوان طرح با کمک معین در نظر بگیرد، مگر این‌که (بطور مستقیم، یا بطور غیرمستقیم از طریق طرح)، تعهد قانونی یا عرفی در خصوص موارد زیر داشته باشد:

- الف. مزایای کارکنان را در تاریخ سررسید، بطور مستقیم پرداخت کند؛ یا
- ب. اگر بیمه‌گر تمام مزایای آتی کارکنان در رابطه با خدمت کارکنان در دوره‌های جاری و گذشته را پرداخت نکند، مبالغ بیشتری را پرداخت نماید.

اگر واحد تجاری چنین تعهد قانونی یا عرفی داشته باشد، باید طرح را به عنوان طرح با مزایای معین در نظر بگیرد.

47. ضرورتی ندارد که مزایای بیمه شده توسط بیمه‌نامه، رابطه مستقیم یا خودکار با تعهدات واحد تجاری درخصوص مزایای کارکنان داشته باشد. تمایز بین حسابداری و تأمین مالی طرحهای مزایای دوران بازنشستگی دارای بیمه‌نامه، مانند سایر طرحهای تأمین مالی شده است.

48. در مواردی که واحد تجاری تعهدات مزایای دوران بازنشستگی را از طریق کمک به بیمه‌نامه‌ای تأمین مالی می‌کند که طبق آن، واحد تجاری (بطور مستقیم، یا بطور غیرمستقیم از طریق طرح، از طریق ساز و کاری برای تعیین حقبیمه‌های آتی یا از طریق ارتباط اشخاص وابسته با بیمه‌گر) همچنان تعهد قانونی یا عرفی دارد، مبالغ حقبیمه‌ها به میزان کمک معین توافق شده نیست. در نتیجه واحد تجاری:

- الف. بیمه‌نامه واجد شرایط را به عنوان دارایی طرح در نظر می‌گیرد (به بند 8 مراجعه شود)؛ و
- ب. بیمه‌نامه‌های دیگر را به عنوان حق استرداد وجوه شناسایی می‌کند (چنانچه بیمه‌نامه‌ها معیار مندرج در بند 116 را احراز کنند).

49. در مواردی که بیمه‌نامه، به نام مشارکت‌کننده خاصی در طرح یا گروهی از مشارکت‌کنندگان طرح باشد و واحد تجاری، هیچ تعهد قانونی یا عرفی برای پوشش خسارت بیمه شده نداشته باشد، واحد تجاری تعهدی برای پرداخت مزایا به کارکنان ندارد و بیمه‌گر به تنهایی مسئولیت پرداخت مزایا را بر عهده دارد. پرداخت حق بیمه‌های ثابت طبق چنین قراردادی، از نظر محتوا، تسویه تعهدات مزایای کارکنان است و سرمایه‌گذاری برای ایفاء تعهدات محسوب نمی‌شود. در نتیجه، واحد تجاری، دیگر دارایی یا بدهی ندارد. بنابراین، واحد تجاری چنین پرداخته‌هایی را به عنوان کمک به طرح با کمک معین در نظر می‌گیرد.

مزایای دوران بازنشستگی: طرحهای با کمک معین

50. شیوه حسابداری طرحهای با کمک معین ساده است زیرا تعهد واحد گزارش‌گر در هر دوره، از طریق مبالغی که در آن دوره باید کمک کند تعیین می‌شود. در نتیجه، نیازی به در نظر گرفتن هرگونه فرض اکچوئری برای اندازه‌گیری تعهد یا هزینه نیست و امکان ایجاد سود یا زیان اکچوئری وجود ندارد. افزون بر این، تعهدات بر مبنای تنزیل‌نشده اندازه‌گیری می‌شود، به غیر از مواردی که انتظار نمی‌رود در کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارش‌گری

سالانه‌ای که کارکنان خدمت مربوط را در آن ارائه کرده‌اند، تعهدات بطور کامل تسویه شود.

شناخت و اندازه‌گیری

51. چنانچه کارکنان، طی دوره خدمتی را به واحد تجاری ارائه کرده باشند، واحد تجاری باید کمک قابل پرداخت به طرح با کمک معین در ازای آن خدمت را به صورت زیر شناسایی کند:

الف. به عنوان بدهی (هزینه‌های پرداختنی) پس از کسر هرگونه کمکی که تاکنون پرداخت شده است. در صورتی که کمکهای پرداخت‌شده قبلی بیش از کمکهای قابل پرداخت بابت خدمت ارائه‌شده تا پایان دوره گزارشگری باشد، واحد تجاری باید مازاد را تا میزانی که پیش‌پرداخت برای مثال، منجر به کاهش در پرداختهای آتی یا استرداد وجوه شود، به عنوان دارایی (پیش‌پرداخت هزینه) شناسایی کند.

ب. به عنوان هزینه، مگر اینکه استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری، احتساب این کمکها در بهای تمام شده یک دارایی را مجاز یا الزامی کرده باشد (برای مثال، به استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 و استاندارد بین‌المللی حسابداری 16 مراجعه شود).

52. در مواردی که انتظار نرود کمکهای انجام شده به طرح با کمک معین، در کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری که کارکنان خدمت مربوط را در آن ارائه کرده‌اند، بطور کامل تسویه شود، کمکها باید با استفاده از نرخ تنزیل مشخص‌شده در بند 83 تنزیل شود.

افشا

53. واحد تجاری باید مبلغ شناسایی شده به عنوان هزینه بابت طرحهای با کمک معین را افشا کند.

54. در مواردی که طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 24 الزامی شده است، واحد تجاری باید اطلاعاتی درباره کمک به طرحهای با کمک معین برای مدیران اصلی را افشا می‌کند.

مزایای دوران بازنشستگی: طرحهای با مزایای معین

55. شیوه حسابداری طرحهای با مزایای معین پیچیده است زیرا برای اندازه‌گیری تعهد و هزینه، در نظر گرفتن مفروضات اکچوئری الزامی است و امکان ایجاد سود یا زیان اکچوئری وجود دارد. افزون بر این، تعهدات ب بر مبنای تنزیل شده اندازه‌گیری می‌شوند، زیرا ممکن است چندین سال پس از ارائه خدمت مربوط توسط کارکنان، تسویه شوند.

شناخت و اندازه‌گیری

56. طرحهای با مزایای معین ممکن است تأمین مالی نشده باشد یا تأمین مالی تمام یا بخشی از آن از طریق کمکهای واحد تجاری، و برخی مواقع، کارکنان واحد تجاری، یا صندوق، که از نظر قانونی از واحد گزارشگر جدا است و مزایای کارکنان را می‌پردازد، انجام شود. پرداخت مزایای تأمین مالی شده در سررسید، نه تنها به وضعیت مالی و عملکرد سرمایه‌گذاری آن صندوق بستگی دارد، بلکه به توانایی و تمایل واحد تجاری برای رفع کسری داراییهای صندوق نیز وابسته است. بنابراین، اساساً واحد تجاری ریسکهای اکچوئری و سرمایه‌گذاری مربوط به طرح را بر عهده دارد. در نتیجه، هزینه شناسایی شده برای طرح با مزایای معین، لزوماً معادل مبلغ کمک قابل پرداخت طی دوره نیست.

57. حسابداری طرحهای با مزایای معین توسط واحد تجاری، شامل مراحل زیر است:

الف. تعیین کسری یا مازاد. این مرحله شامل موارد زیر است:

1. استفاده از یک تکنیک مبتنی بر اکچوئری، روش تعلق مزایای پیش‌بینی‌شده به تناسب خدمت، به منظور برآورد قابل اتکا از مخارج نهایی واحد تجاری در ارتباط با مزایایی که کارکنان در ازای ارائه خدمت در دوره‌های جاری و گذشته کسب کرده‌اند، (به بندهای 67 تا 69 مراجعه شود). بر این اساس، واحد تجاری ملزم است میزان مزایای قابل انتساب به دوره‌های جاری و گذشته را تعیین کند (به بندهای 70 تا 74 مراجعه شود) و برآوردهایی (مفروضات اکچوئری) درباره متغیرهای جمعیت‌شناسی (مانند گردش و مرگ و میر کارکنان) و متغیرهای مالی (مانند افزایش آتی حقوق و مخارج بهداشتی-درمانی) که بر مخارج مزایا اثر می‌گذارد، انجام دهد (به بندهای 75 تا 98 مراجعه شود).

2. تنزیل مزایا به منظور تعیین ارزش فعلی تعهدات مزایای معین و مخارج خدمت جاری (به بندهای 67 تا 69 و 83 تا 86 مراجعه شود).
 3. کسر ارزش منصفانه تمام داراییهای طرح (به بندهای 113 تا 115 مراجعه شود) از ارزش فعلی تعهدات مزایای معین.
 - ب. تعیین مبلغ خالص بدهی (دارایی) مزایای معین به عنوان مبلغ کسری یا مازاد تعیین‌شده در قسمت (الف)، که بابت هرگونه اثر محدود کردن خالص دارایی مزایای معین تا سقف دارایی تعدیل شده است (به بند 64 مراجعه شود).
 - پ. تعیین مبالغی که باید در سود یا زیان دوره شناسایی شود:
 1. مخارج خدمت جاری (به بندهای 70 تا 74 مراجعه شود).
 2. هرگونه مخارج خدمت گذشته و سود یا زیان تسویه (به بندهای 99 تا 112 مراجعه شود).
 3. بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بندهای 123 تا 126 مراجعه شود).
 - ت. تعیین مبلغ تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین، که باید در سایر اقلام سود یا زیان جامع شناسایی شود، شامل:
 1. سودها یا زیانهای اکچوئری (به بندهای 128 و 129 مراجعه شود)؛
 2. بازده داراییهای طرح، پس از کسر مبالغی که در محاسبه بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین منظور شده است (به بند 130 مراجعه شود)؛ و
 3. هرگونه تغییر در اثر سقف دارایی (به بند 64 مراجعه شود) پس از کسر مبالغ منظورشده در محاسبه بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین.
- در مواردی که واحد تجاری بیش از یک طرح با مزایای معین داشته باشد، این رویه‌ها برای هر طرح با اهمیت، جداگانه بکار گرفته می‌شود.
58. واحد تجاری باید خالص بدهی (دارایی) مزایای معین را با تناوب کافی تعیین کند تا مبالغ شناسایی‌شده در صورت‌های مالی، تفاوت

بااهمیتی با مبالغی که در پایان دوره گزارشگری تعیین می‌شود، نداشته باشد.

59. این استاندارد واحد تجاری را تشویق می‌کند، اما آن را ملزم نمی‌کند، برای اندازه‌گیری تمام تعهدات بااهمیت مزایای دوران بازنشستگی از اکچوئر واجد شرایط استفاده کند. در عمل، ممکن است واحد تجاری از اکچوئر واجد شرایط درخواست کند قبل از پایان دوره گزارشگری ارزشیابی مفصلی از تعهدات ارائه نماید. با وجود این، نتایج این ارزشیابی، بابت هرگونه معامله بااهمیت و سایر تغییرات بااهمیت در شرایط (شامل تغییر در قیمت‌های بازار و نرخ‌های بهره) تا پایان دوره گزارشگری به‌روزرسانی می‌شود.

60. در برخی موارد، برآوردها، میانگین‌ها و میانبرهای محاسباتی ممکن است تقریب قابل اتکایی از محاسبات تفصیلی تشریح‌شده در این استاندارد، فراهم کند.

حسابداری تعهدات عرفی

61. واحد تجاری باید افزون بر تعهدات قانونی ناشی از مفاد رسمی طرح با مزایای معین، هرگونه تعهد عرفی ناشی از رویه‌های غیررسمی واحد تجاری را نیز در نظر بگیرد. رویه‌های غیررسمی در صورتی منجر به تعهد عرفی می‌شود که واحد تجاری هیچ گزینه عملی دیگری به غیر از پرداخت مزایای کارکنان نداشته باشد. نمونه‌ای از یک تعهد عرفی زمانی است که تغییر در رویه‌های غیررسمی واحد تجاری، منجر به آسیب غیرقابل پذیرش به روابط واحد تجاری با کارکنان شود.

62. مفاد رسمی یک طرح با مزایای معین ممکن است واحد تجاری را مجاز کند که تعهدات خود طبق طرح را خاتمه دهد. با وجود این، در صورت باقی ماندن کارکنان در واحد تجاری، معمولاً خاتمه تعهدات طبق طرح (بدون پرداخت) برای واحد تجاری دشوار است. بنابراین، در نبود شواهد نقض‌کننده، در حسابداری مزایای دوران بازنشستگی فرض می‌شود که واحد تجاری که هم‌اکنون چنین مزایایی را تقبل کرده است در مدت باقیمانده از دوران خدمت کارکنان، همچنان متعهد باقی خواهد ماند.

صورت وضعیت مالی

63. واحد تجاری باید خالص بدهی (دارایی) مزایای معین را در صورت وضعیت مالی شناسایی کند.

64. هنگامی که واحد تجاری، در طرح با مزایای معین مازاد داشته باشد، باید خالص دارایی مزایای معین را به اقل مبالغ زیر اندازه‌گیری کند:

الف. مازاد در طرح با مزایای معین؛ و

ب. سقف دارایی، که با استفاده از نرخ تنزیل مشخص شده در بند 83 تعیین می‌شود.

65. خالص دارایی مزایای معین ممکن است زمانی ایجاد شود که طرح با مزایای معین، بیش از نیاز تأمین مالی شده باشد یا اینکه سود اکچوئری به وجود آمده باشد. در چنین مواردی، واحد تجاری دارایی مزایای معین شناسایی می‌کند زیرا:

الف. واحد تجاری منبعی را کنترل می‌کند که همان توانایی استفاده از مازاد برای ایجاد منافع آتی است؛

ب. این کنترل، نتیجه رویدادهای گذشته است (کمکهای پرداختی توسط واحد تجاری و خدمت ارائه‌شده توسط کارکنان)؛ و

پ. منافع اقتصادی آتی به شکل کاهش در کمکهای آتی یا استرداد وجوه، بطور مستقیم برای واحد تجاری یا بطور غیرمستقیم برای طرح دیگری که دارای کسری است، در دسترس واحد تجاری می‌باشد. سقف دارایی، ارزش فعلی آن منافع آتی است.

شناخت و اندازه‌گیری: ارزش فعلی تعهدات مزایای معین و مخارج خدمت جاری

66. مخارج نهایی طرح با مزایای معین ممکن است تحت تأثیر متغیرهای بسیاری از جمله حقوقهای نهایی، گردش شغلی و مرگ و میر کارکنان، کمکهای کارکنان و روند مخارج بهداشتی-درمانی قرار گیرد. مخارج نهایی طرح با عدم اطمینان همراه است و این احتمال وجود دارد که عدم اطمینان برای دوره‌ای بلندمدت ادامه داشته باشد. برای اندازه‌گیری ارزش فعلی تعهدات مزایای دوران بازداشتگی و مخارج خدمت جاری مربوط، موارد زیر لازم است:

الف. بکارگیری روش ارزشیابی مبتنی بر اکچوئری (به بندهای 67 تا 69 مراجعه شود)؛

ب. تخصیص مزایا به دوره‌های ارائه خدمت (به بندهای 70 تا 74 مراجعه شود)؛ و

پ. در نظر گرفتن مفروضات اکچوئری (به بندهای 75 تا 98 مراجعه شود).

روش ارزشیابی مبتنی بر اکچوئری

67. واحد تجاری باید برای تعیین ارزش فعلی تعهدات مزایای معین و مخارج خدمت جاری مربوط، و در صورت لزوم، مخارج خدمت گذشته، از روش تعلق مزایای پیش‌بینی‌شده به تناسب خدمات، استفاده کند.

68. در روش تعلق مزایای پیش‌بینی شده به تنها سبب خدمات (گاهی با عنوان روش مزایای پرداختنی تخصیص‌یافته به خدمت یا روش مزایا/ سالهای ارائه خدمت شناخته می‌شود)، هر دوره ارائه خدمت به عنوان افزایش یک واحد استحقاق مزایا (به بندهای 70 تا 74 مراجعه شود) در نظر گرفته می‌شود و برای تعیین تعهد نهایی، هر واحد جداگانه اندازه‌گیری می‌گردد (به بندهای 75 تا 98 مراجعه شود).

مثال مربوط به بند 68					
در زمان خاتمه خدمت، مزایا به صورت یکجا و معادل 1 در صد آخرین حقوق به ازای هر سال خدمت، قابل پرداخت است. حقوق سال اول 10,000 واحد پول است و فرض می‌شود که هر سال 7 درصد (به صورت مرکب) افزایش می‌یابد. نرخ تنزیل مورد استفاده، سالانه 10 درصد است. جدول زیر نشان می‌دهد که این تعهد برای کارمندی که انتظار می‌رود در پایان سال پنجم واحد تجاری را ترک کند، با فرض عدم تغییر در مفروضات اکچوئری، چگونه تعیین می‌شود. به منظور ساده‌سازی، در این مثال از سایر تعدیلات مورد نیاز برای انعکاس احتمال اینکه کارمند زودتر یا دیرتر واحد تجاری را ترک کند، صرف‌نظر شده است.					
سال	1	2	3	4	5
مزایای تخصیص‌یافته به:	واحد پول	واحد پول	واحد پول	واحد پول	واحد پول
- سالهای گذشته	0	131	262	393	524
- سال جاری (1% آخرین حقوق)	131	131	131	131	131
- سال جاری و سالهای گذشته	131	262	393	524	655
تعهد در ابتدای دوره	-	89	196	324	476
بهره با نرخ 10%	-	9	20	33	48
مخارج خدمت جاری	89	98	108	119	131
تعهد در پایان دوره	89	196	324	476	655
یادداشت:					
1. تعهد در ابتدای دوره، معادل ارزش فعلی مزایای تخصیص‌یافته به سالهای گذشته است.					
2. مخارج خدمت جاری، معادل ارزش فعلی مزایای تخصیص‌یافته به سال جاری است.					
3. تعهد در پایان دوره، معادل ارزش فعلی مزایای تخصیص‌یافته به سال جاری و سالهای گذشته است.					

69. واحد تجاری کل تعهدات مزایای دوران بازنشستگی را تنزیل می‌کند، حتی اگر انتظار رود که بخشی از تعهدات طی کمتر از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری تسویه شود.

تخصیص مزایا به دوره‌های ارائه خدمت

70. برای تعیین ارزش فعلی تعهدات مزایای معین و مخارج خدمت جاری مربوط به آن، و در صورت لزوم، مخارج خدمات گذشته، واحد تجاری باید مزایا را بر اساس فرمول مزایای طرح، به دوره‌های ارائه خدمت تخصیص دهد. با وجود این، در صورتی که خدمت کارکنان در سالهای بعد، بطور بااهمیتی منجر به سطح بالاتری از مزایا نسبت به سالهای قبل شود، واحد تجاری باید مزایا را در بازه زمانی زیر به روش خط مستقیم تخصیص دهد:

الف. از تاریخی که برای نخستین بار خدمت کارکنان، طبق طرح منجر به مزایا می‌شود (صرفنظر از اینکه مزایا مشروط به خدمت بیشتر باشد یا نباشد) تا

ب. تاریخی که طبق طرح، خدمت بیشتر توسط کارکنان، به افزایش بااهمیت در مبلغ مزایا، به استثنای افزایش بیشتر در حقوق، منجر نشود.

71. طبق روش تعلق مزایای پیش‌بینی‌شده به تناسب خدمات، واحد تجاری باید مزایا را به دوره جاری (به منظور تعیین مخارج خدمت جاری) و دوره‌های جاری و گذشته (به منظور تعیین ارزش فعلی تعهدات مزایای معین) تخصیص دهد. واحد تجاری مزایا را به دوره‌هایی تخصیص می‌دهد که در آن دوره‌ها تعهد برای تأمین مزایای دوران بازنشستگی ایجاد می‌شود. این تعهد هنگامی ایجاد می‌شود که کارکنان خدماتی را در ازای مزایای دوران بازنشستگی که واحد تجاری انتظار دارد در دوره‌های گزارشگری آتی بپردازد، ارائه می‌کنند. تکنیکهای مبتنی بر اکچوئری به واحد تجاری این امکان را می‌دهد که برای توجیه شنا سایی بدهی، تعهد را با قابلیت اتکای کافی اندازه‌گیری کند.

مثال مربوط به بند 71

1 یک طرح با مزایای معین، مزایایی به مبلغ 100 واحد پول به صورت یک‌جا ارائه می‌کند که در زمان بازنشستگی، به ازای هر سال خدمت قابل پرداخت است.

مزایایی به مبلغ 100 واحد پول، به هر سال تخصیص داده می‌شود. مخارج خدمت جاری، معادل ارزش فعلی 100 واحد پول است. ارزش فعلی تعهدات مزایای معین، برابر با حاصلضرب ارزش فعلی 100 واحد پول در تعداد سالهای ارائه خدمت تا پایان دوره گزارشگری است. اگر مزایا بلافاصله پس از ترک خدمت کارکنان قابل پرداخت باشد، مخارج خدمت جاری و ارزش فعلی تعهدات مزایای معین، نشان‌دهنده تاریخی است که انتظار می‌رود کارکنان در آن تاریخ واحد تجاری را ترک کنند.

بنابراین، به دلیل اثر تنزیل، این مبالغ کمتر از مبالغ تعیین‌شده در حالت ترک خدمت کارکنان در پایان دوره گزارشگری است.

2 یک طرح، مستمری بازنشستگی ماهانه به میزان 0/2 درصد آخرین حقوق کارکنان به ازای هر سال خدمت ارائه می‌کند. مستمری از سن 65 سالگی قابل پرداخت است.

مزایایی برابر با ارزش فعلی مستمری بازنشستگی ماهانه در تاریخ بازنشستگی مورد انتظار، به میزان 0/2 درصد آخرین حقوق برآوردی، که از تاریخ مورد انتظار بازنشستگی تا تاریخ مورد انتظار فوت قابل پرداخت است، به هر یک از سالهای ارائه خدمت تخصیص می‌یابد. مخارج خدمت جاری، معادل ارزش فعلی آن مزایا است. ارزش فعلی تعهدات مزایای معین، از حاصلضرب ارزش فعلی پرداختهای ماهانه مستمری بازنشستگی به میزان 0/2 درصد آخرین حقوق در تعداد سالهای ارائه خدمت تا پایان دوره گزارشگری به دست می‌آید. به دلیل شروع پرداختهای مستمری از سن 65 سالگی، مخارج خدمت جاری و ارزش فعلی تعهدات مزایای معین تنزیل شده‌اند.

72. در طرح با مزایای معین، حتی در صورتی که مزایا، مشروط به اشتغال آتی کارکنان باشد (به عبارت دیگر، مزایا قطعی نشده باشد)، خدمات کارکنان منجر به ایجاد تعهد می‌شود. خدمت کارکنان قبل تاریخ قطعی شدن، منجر به ایجاد تعهد عرفی می‌شود، زیرا در پایان هر دوره گزارشگری متوالی، میزان خدمت آتی که کارکنان برای برخورداری از حقوق نسبت به مزایا باید ارائه کنند، کاهش می‌یابد. واحد تجاری در اندازه‌گیری تعهدات مزایای معین، این احتمال را در نظر می‌گیرد که ممکن است برخی کارکنان الزامات قطعی شدن مزایا را احراز نکنند. همچنین، با وجود اینکه برخی مزایای دوران بازنشستگی، مانند مزایای بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی، تنها در صورت وقوع رویدادی خاص پس از خاتمه خدمت کارکنان، قابل پرداخت است، زمانی که کارکنان خدمتی را ارائه می‌کنند که نسبت به دریافت این مزایا در صورت وقوع رویدادی خاص حقوقی ایجاد می‌کند، تعهد ایجاد می‌شود. احتمال وقوع رویدادی خاص بر اندازه‌گیری تعهدات تأثیر می‌گذارد، اما تعیین‌کننده وجود یا عدم وجود تعهد نیست.

مثال مربوط به بند 72

1 طرحی به ازای هر سال خدمت، مزایایی به مبلغ 100 واحد پول می‌پردازد. مزایا پس از 10 سال ارائه خدمت قطعی می‌شود.

مزایایی به مبلغ 100 واحد پول به هر سال تخصیص می‌یابد. در هر یک از 10 سال نخست، مخارج خدمت جاری و ارزش فعلی تعهد، منعکس‌کننده این احتمال است که ممکن است کارکنان 10 سال ارائه خدمت را به پایان نرسانند.

2 طرحی به ازای هر سال خدمت، به غیر از خدماتی که قبل از 25 سالگی ارائه می‌شود، 100 واحد پول مزایا می‌پردازد. مزایا بلافاصله قطعی می‌شود.

به خدمات ارائه‌شده قبل از 25 سالگی، هیچ مزایایی تخصیص داده نمی‌شود، زیرا خدمات پیش از آن تاریخ منجر به مزایا (مشروط یا غیرمشروط) نمی‌شود. مزایایی به مبلغ 100 واحد پول، به هر یک از سالهای بعد قابل تخصیص است.

73. تا تاریخی که ارائه خدمات بیشتر توسط کارکنان، موجب افزایش بااهمیت در مبلغ مزایا شود، تعهد افزایش می‌یابد. بنابراین، تمام مزایا به دوره‌های منتهی به آن تاریخ یا قبل از آن تخصیص داده می‌شود. مزایا طبق فرمول مزایای طرح، به هر یک از دوره‌های حسابداری تخصیص می‌یابد. با وجود این، در صورتی که خدمت کارکنان در سالهای بعد، موجب افزایش بااهمیت سطح مزایا نسبت به سالهای قبل شود، واحد تجاری تا تاریخی که ارائه خدمات بیشتر توسط کارکنان، موجب افزایش بااهمیت در سطح مزایا می‌شود، مزایا را بر مبنای خط مستقیم تخصیص می‌دهد. خدمات کارکنان در کل این مدت، نهایتاً منجر به مزایایی در سطح بالاتر می‌شود.

مثالهای مربوط به بند 73

1 یک طرح، مزایایی به مبلغ 1000 واحد پول به صورت یکجا می‌پردازد که پس از ده سال خدمت، مزایا قطعی می‌شود. این طرح هیچ‌گونه مزایای بیشتری برای خدمت بعدی ارائه نمی‌کند.

مزایایی به مبلغ 100 واحد پول (1000 واحد پول تقسیم بر 10) به هر یک از 10 سال نخست تخصیص داده می‌شود.

مخارج خدمت جاری در هر یک از 10 سال نخست، نشان‌دهنده این احتمال است که کارکنان ممکن است 10 سال از خدمت را به پایان نرسانند. هیچ مزایایی به سالهای بعد تخصیص داده نمی‌شود.

2 یک طرح، مزایای بازنشستگی به مبلغ 2000 واحد پول را به صورت یکجا به تمام کارکنانی که در سن 55 سالگی،

مثالهای مربوط به بند 73

پس از 20 سال خدمت هنوز شاغل هستند، یا در سن 65 سالگی، صرفنظر از مدت زمان ارائه خدمت هنوز شاغل هستند، پرداخت می‌کند.

برای کارکنانی که قبل از 35 سالگی استخدام می‌شوند، طبق طرح، برای نخستین بار در 35 سالگی خدمت منجر به مزایا می‌شود (کارکنان می‌توانند در سن 30 سالگی ترک خدمت کنند و در 33 سالگی بازگردند، بدون اینکه تأثیری بر مبلغ یا زمانبندی مزایا داشته باشد). این مزایا، مشروط به ارائه خدمت بیشتر است. همچنین، خدمت پس از 55 سالگی، منجر به افزایش بااهمیت در مزایا نمی‌شود. برای این کارکنان، واحد تجاری به ازای هر سال ارائه خدمت از 35 سالگی تا 55 سالگی، مزایایی به مبلغ 100 واحد پول (2000 واحد پول تقسیم بر 20) تخصیص می‌دهد.

برای کارکنانی که بین سنین 35 سالگی تا 45 سالگی استخدام می‌شوند، ارائه خدمت پس از 20 سال، منجر به افزایش بااهمیت در مزایا نمی‌شود. برای این کارکنان، واحد تجاری به ازای هر سال ارائه خدمت در 20 سال نخست، مزایایی به مبلغ 100 واحد پول (2000 واحد پول تقسیم بر 20) تخصیص می‌دهد.

برای کارکنانی که در 55 سالگی استخدام می‌شوند، ارائه خدمت پس از 10 سال، منجر به افزایش بااهمیت در مزایا نمی‌شود. برای این کارکنان، واحد تجاری به ازای هر سال ارائه خدمت در 10 سال نخست، مزایایی به مبلغ 200 واحد پول (2000 واحد پول تقسیم بر 10) تخصیص می‌دهد. برای تمام کارکنان، مخارج خدمت جاری و ارزش فعلی تعهدات، نشان‌دهنده این احتمال است که ممکن است کارکنان دوره خدمت مورد نیاز را به پایان نرسانند.

3 طبق یک طرح بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی، در صورتی که کارکنان، پس از 10 سال و پیش از 20 سال ارائه خدمت، واحد تجاری را ترک کنند، 40 درصد مخارج بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی، و در صورتی که واحد تجاری را حداقل بعد از 20 سال خدمت ترک کنند، 50 درصد آن مخارج پرداخت می‌شود.

بر اساس فرمول مزایای طرح، واحد تجاری 4 درصد ارزش فعلی مخارج بهداشتی-درمانی مورد انتظار (40 درصد تقسیم بر 10) را به هر یک از 10 سال نخست و 1 درصد (10 درصد تقسیم بر 10) را به هر یک از 10 سال دوم تخصیص می‌دهد. مخارج خدمت جاری در هر سال، نشان‌دهنده این احتمال است که کارکنان، ممکن است دوره خدمت مورد نیاز برای کسب تمام یا بخشی از مزایا را به پایان نرسانند. به کارکنانی که انتظار می‌رود در کمتر از 10 سال واحد تجاری را ترک کنند، هیچ مزایایی تخصیص داده نمی‌شود.

4 طبق یک طرح بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی در صورتی که کارکنان، پس از 10 سال و پیش از 20 سال ارائه خدمت، واحد تجاری را ترک کنند، 10 درصد مخارج بهداشتی درمانی دوران بازنشستگی، و در صورتی که واحد تجاری را حداقل بعد از 20 سال خدمت ترک کنند، 50 درصد آن مخارج پرداخت می‌شود.

مثالهای مربوط به بند 73

خدمت سالهای بعد، منجر به افزایش بااهمیت در سطح مزایا نسبت به سالهای قبل می‌شود. بنابراین، برای کارکنانی که انتظار می‌رود حداقل پس از 20 سال ترک خدمت کنند، واحد تجاری، طبق بند 71، مزایا را بر مبنای خط مستقیم تخصیص می‌دهد. خدمت پس از 20 سال، منجر به افزایش بااهمیت در مزایا نمی‌شود. بنابراین، مزایای تخصیص یافته به هر یک از 20 سال نخست، $\frac{2}{5}$ درصد ارزش فعلی مخارج درمانی مورد انتظار (50 درصد تقسیم بر 20) می‌باشد.

برای کارکنانی که انتظار می‌رود پس از 10 سال و پیش از 20 سال ارائه خدمت واحد تجاری را ترک کنند، مزایای تخصیص یافته به هر یک از 10 سال نخست، 1 درصد ارزش فعلی مخارج درمانی مورد انتظار است. برای این کارکنان، هیچ مزایایی به خدمات بین پایان سال دهم و تاریخ برآوردی خاتمه خدمت تخصیص داده نمی‌شود. به کارکنانی که انتظار می‌رود در کمتر از 10 سال واحد تجاری را ترک کنند، هیچ مزایایی تخصیص داده نمی‌شود.

74. اگر مبلغ مزایا به ازای هر سال خدمت، نسبت ثابتی از آخرین حقوق باشد، افزایش در حقوق آتی بر مبلغ لازم برای تسویه تعهداتی که به دلیل خدمت ارائه شده تا قبل از پایان دوره گزارشگری به وجود آمده است، تأثیر می‌گذارد، اما تعهد اضافی ایجاد نمی‌کند. بنابراین:

الف. برای مقاصد بند 70(ب)، افزایش در حقوق منجر به مزایای بیشتر نمی‌شود، حتی اگر مبلغ مزایا به آخرین حقوق بستگی داشته باشد؛ و

ب. مبلغ مزایای تخصیص یافته به هر دوره، نسبت ثابتی از حقوقی است که مزایا با آن ارتباط دارد.

مثال مربوط به بند 74

مزایایی به میزان 3 درصد آخرین حقوق به ازای هر سال خدمت قبل از سن 55 سالگی به کارکنان تعلق می‌گیرد. مزایایی به میزان 3 درصد آخرین حقوق برآوردی، به هر سال خدمت تا سن 55 سالگی تخصیص داده می‌شود. این تاریخ، زمانی است که طبق طرح، ارائه خدمات بیشتر توسط کارکنان منجر به افزایش بااهمیت مزایا نمی‌شود. به خدمات ارائه شده پس از این سن، هیچ مزایایی تخصیص داده نمی‌شود.

مفروضات اکچوئری

75. مفروضات اکچوئری، باید بدون جانبداری و با یکدیگر سازگار باشد.

76. مفروضات اکچوئری، بهترین برآوردهای واحد تجاری از متغیرهایی است که مخارج نهایی تأمین مزایای دوران بازنشستگی را تعیین خواهد کرد. مفروضات اکچوئری شامل موارد زیر است:

الف. مفروضات جمعیت‌شناسی درباره ویژگیهای آتی کارکنان فعلی و پیشین (و افراد تحت تکفل آنها) که واجد شرایط دریافت مزایا هستند. مفروضات جمعیت‌شناختی به موضوعاتی نظیر موارد زیر می‌پردازد:

1. مرگ و میر (به بندهای 81 و 82 مراجعه شود)؛
 2. نرخ گردش شغلی، ازکارافتادگی و بازنشستگی پیش از موعد کارکنان؛
 3. نسبتی از اعضای طرح که افراد تحت تکفل آنها واجد شرایط دریافت مزایا هستند؛
 4. نسبتی از اعضای طرح که یکی از انواع گزینه‌های دریافت مزایا طبق طرح را انتخاب می‌کنند؛ و
 5. نرخهای ادعا در طرحهای بهداشتی-درمانی.
- ب. مفروضات مالی، که به اقلامی مانند موارد زیر می‌پردازد:

1. نرخ تنزیل (به بندهای 83 تا 86 مراجعه شود)؛
 2. سطوح مزایا، پس از کسر مخارج مزایایی که باید توسط کارکنان تأمین شود، و حقوق آتی (به بندهای 87 تا 95 مراجعه شود)؛
 3. در مورد مزایای بهداشتی-درمانی، مخارج بهداشتی-درمانی آتی شامل مخارج رسیدگی به ادعا (یعنی مخارجی که در پردازش و حل و فصل ادعاها تحمل می‌شود، شامل حق‌الزحمه‌های حقوقی و قضایی) (به بندهای 96 تا 98 مراجعه شود)؛ و
 4. مالیات قابل پرداخت توسط طرح در ارتباط با کمکهای مربوط به خدمات ارائه‌شده پیش از تاریخ گزارشگری یا مزایای حاصل از آن خدمات.
77. مفروضات اکچوئری در صورتی بدون جانبداری است که نه خوش‌بینانه و نه بیش از حد محافظه‌کارانه باشد.
78. مفروضات اکچوئری، در صورتی با یکدیگر سازگار هستند که منعکس‌کننده روابط اقتصادی بین عواملی مانند تورم، نرخهای افزایش حقوق و نرخهای تنزیل باشد. برای مثال، تمام مفروضاتی که به سطح مشخصی از تورم در دوره آتی معینی بستگی دارد (مانند مفروضات مربوط به نرخهای بهره و افزایش در حقوق و مزایا)، سطح تورم یکسانی را در آن دوره در نظر می‌گیرند.

79. واحد تجاری، نرخ تنزیل و سایر مفروضات مالی را به صورت اسمی (اظهارشده) تعیین می‌کند، مگر اینکه برآوردهای واقعی (تعدیل‌شده بابت تورم) قابل اتکاتر باشد، برای مثال، در یک اقتصاد با تورم حاد (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 29 گزارشگری مالی در اقتصادهای با تورم حاد مراجعه شود)، یا در مواردی که مزایا وابسته به شاخص است و بازار عمیقی برای اوراق قرضه وابسته به شاخص با واحد پول و دوره زمانی مشابه وجود دارد.

80. مفروضات مالی در پایان دوره گزارشگری، باید مبتنی بر انتظارات بازار در دوره تسویه تعهدات باشد.

مفروضات اکچوئری: مرگ و میر

81. واحد تجاری باید مفروضات مرگ و میر را با استناد به بهترین برآورد از مرگ و میر اعضای طرح در دوره اشتغال و پس از آن تعیین کند.

82. به منظور برآورد مخارج نهایی مزایا، واحد تجاری تغییرات مورد انتظار در مرگ و میر را، برای مثال، از طریق اصلاح جداول استاندارد مرگ و میر با برآورد تغییرات در مرگ و میر، در نظر می‌گیرد.

مفروضات اکچوئری: نرخ تنزیل

83. نرخ مورد استفاده برای تنزیل تعهدات مزایای دوران بازنشستگی (تأمین مالی‌شده و تأمین مالی‌نشده)، باید با مراجعه به نرخ بازده بازار در پایان دوره گزارشگری برای اوراق قرضه شرکتی با کیفیت بالا تعیین شود. در کشورهایی که بازار عمیقی برای چنین اوراق قرضه‌ای وجود ندارد، بازده بازار اوراق قرضه دولتی (در پایان دوره گزارشگری) باید بکار گرفته شود. واحد پول و دوره زمانی اوراق قرضه شرکتی یا اوراق قرضه دولتی باید با واحد پول و دوره زمانی برآوردی تعهدات مزایای دوران بازنشستگی سازگار باشد.

84. یکی از مفروضات اکچوئری که اثر بااهمیتی دارد، نرخ تنزیل است. نرخ تنزیل، ارزش زمانی پول را منعکس می‌کند اما نشان‌دهنده ریسک اکچوئری یا ریسک سرمایه‌گذاری نیست. افزون بر این، نرخ تنزیل، ریسک اعتباری مختص واحد تجاری که اعتباردهندگان واحد تجاری متحمل می‌شوند و ریسک متفاوت بودن تجربیات آینده با مفروضات اکچوئری را منعکس نمی‌کند.

85. نرخ تنزیل، زمانبندی برآوردی پرداخت مزایا را منعکس می‌کند. در عمل، واحد تجاری اغلب با استفاده از میانگین موزون نرخ تنزیلی که نشان‌دهنده زمانبندی و مبلغ برآوردی و واحد پول پرداخت مزایا است، به این نرخ دست می‌یابد.

86. در برخی موارد، بازار عمیقی برای اوراق قرضه‌ای که سررسید آن برای مطابقت با سررسید برآوردی تمام پرداختهای مزایا به میزان کافی طولانی باشد، وجود ندارد. در چنین مواردی، واحد تجاری از نرخهای جاری در بازار با دوره زمانی مناسب، برای تنزیل پرداختهای کوتاه‌مدت‌تر استفاده می‌کند و نرخ تنزیل برای سررسیدهای بلندمدت‌تر را از طریق قیاس با نرخهای جاری در بازار و بر اساس منحنی بازده برآورد می‌کند. بعید به نظر می‌رسد که کل ارزش فعلی تعهدات مزایای معین، بطور خاص به نرخ تنزیل بکاررفته برای بخشی از مزایا که پس از سررسید نهایی اوراق قرضه شرکتی یا دولتی در دسترس قابل پرداخت است، حساسیت داشته باشد.

مفروضات اکچوئری: حقوق، مزایا و مخارج بهداشتی-درمانی

87. واحد تجاری باید تعهدات مزایای معین را بر مبنای اندازه‌گیری کند که نشان‌دهنده موارد زیر باشد:

- الف. مزایای تعیین‌شده در مفاد طرح (یا ناشی از هرگونه تعهد عرفی فراتر از مفاد طرح) در پایان دوره گزارشگری؛
 - ب. هرگونه افزایش برآوردی در حقوق آتی که بر مزایای قابل پرداخت تاثیر می‌گذارد؛
 - پ. اثر هرگونه محدودیت بر سهم کارفرما از مخارج مزایای آتی؛
 - ت. کمکهای کارکنان یا اشخاص ثالث که مخارج نهایی مزایا را برای واحد تجاری کاهش می‌دهد؛ و
 - ث. تغییرات آتی برآوردی در سطح هرگونه مزایای دولتی که بر مزایای قابل پرداخت طبق طرح با مزایای معین تاثیر می‌گذارد، مشروط بر آنکه:
1. این تغییرات قبل از پایان دوره گزارشگری تصویب شده باشد؛ یا

2. داده‌های تاریخی یا سایر شواهد قابل اتکا نشان دهد که آن مزایای دولتی به شیوه‌ای قابل پیش‌بینی، برای مثال، در راستای تغییرات آتی در سطح عمومی قیمت‌ها یا سطوح عمومی حقوق، تغییر خواهد کرد.

88. مفروضات اکچوئری، نشان‌دهنده تغییر در مزایای آتی است که در پایان دوره گزارشگری در مفاد رسمی طرح (یا تعهدات عرفی فراتر از مفاد طرح) مشخص می‌شود. این امر، برای مثال، زمانی صدق می‌کند که:

- الف. واحد تجاری سابقه افزایش مزایا، برای مثال، به منظور کاهش آثار تورم را داشته باشد، و هیچ نشانه‌ای از تغییر این رویه در آینده وجود نداشته باشد؛

ب. واحد تجاری، طبق مفاد رسمی طرح (یا تعهدات عرفی فراتر از مفاد طرح) یا قانون، متعهد باشد که هرگونه مازاد طرح را به نفع مشارکت‌کنندگان طرح استفاده کند (به بند 108(پ) مراجعه شود)؛ یا

پ. مزایا در واکنش به عملکرد هدف یا سایر معیارها تغییر کند. برای مثال، ممکن است در مفاد طرح آمده باشد که اگر دارایی‌های طرح کافی نباشد، مزایای کمتری پرداخت، یا کمک‌های بیشتری از کارکنان دریافت خواهد شد. اندازه‌گیری این تعهدات نشان‌دهنده بهترین برآورد از اثر عملکرد هدف یا معیارهای دیگر است.

89. مفروضات اکچوئری، تغییر در مزایای آتی را که در پایان دوره گزارشگری در مفاد رسمی طرح (یا تعهدات عرفی) مشخص نشده است، منعکس نمی‌کند. این تغییرات منجر به موارد زیر خواهد شد:

الف. مخارج خدمت گذشته، تا میزانی که منجر به تغییر در مزایا بابت خدمت قبل از تاریخ تغییر شود؛ و

ب. مخارج خدمت جاری بابت دوره‌های پس از تغییر، تا میزانی که منجر به تغییر در مزایا بابت خدمت پس از تاریخ تغییر شود.

90. به منظور برآورد افزایش حقوق در آینده، تورم، افزایش سابقه، ارتقای شغلی و سایر عوامل مربوط مانند عرضه و تقاضا در بازار کار در نظر گرفته می‌شود.

91. برخی طرح‌های با مزایای معین، کمک‌هایی که واحد تجاری ملزم به پرداخت آنها است را محدود می‌کند. در تعیین مخارج نهایی مزایا، اثر محدودیت در کمک‌ها در نظر گرفته می‌شود. اثر محدودیت در کمک‌ها، در یکی از دوره‌های زمانی زیر، هر کدام کوتاه‌تر باشد، تعیین می‌شود:

الف. عمر برآوردی واحد تجاری؛ و

ب. عمر برآوردی طرح.

92. برخی طرح‌های با مزایای معین، کارکنان یا اشخاص ثالث را ملزم می‌کند به مخارج طرح کمک کنند. کمک‌های انجام‌شده توسط کارکنان، مخارج مزایا برای واحد تجاری را کاهش می‌دهد. واحد تجاری این موضوع را در نظر می‌گیرد که آیا کمک‌های اشخاص ثالث، مخارج مزایا را برای واحد تجاری کاهش می‌دهد یا طبق بند 116، حق استرداد وجوه را ایجاد می‌کند. کمک‌های کارکنان یا اشخاص ثالث، یا در مفاد رسمی طرح گنجانده می‌شود (یا ناشی از تعهدات عرفی فراتر از مفاد رسمی طرح است) یا اختیاری است. کمک‌های اختیاری

کارکنان یا اشخاص ثالث، مخارج خدمت را با پرداخت این کمکها به طرح، کاهش می‌دهد.

93. کمکهای کارکنان یا اشخاص ثالث که در مفاد رسمی طرح معین شده است، یا مخارج خدمت را کاهش می‌دهد (اگر وابسته به خدمت باشد)، یا بر تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین، تأثیر می‌گذارد (اگر وابسته به خدمت نباشد). نمونه‌ای از کمکهایی که وابسته به خدمت نیست، زمانی است که کمکها باید کسری ناشی از زیان داراییهای طرح یا زیان اکچوئری را کاهش دهند. اگر کمکهای کارکنان یا اشخاص ثالث وابسته به خدمت باشد، این کمکها مخارج خدمت را به شرح زیر کاهش می‌دهد:

الف. اگر مبلغ کمکها وابسته به تعداد سالهای ارائه خدمت باشد، واحد تجاری باید با استفاده از روش تخصیص مزایای ناخالص طبق بند 70، کمکها را به دوره‌های ارائه خدمت تخصیص دهد (یعنی یا با استفاده از فرمول کمک به طرح یا بر مبنای خط مستقیم)؛ یا

ب. اگر مبلغ کمکها مستقل از تعداد سالهای ارائه خدمت باشد، واحد تجاری مجاز است این کمکها را در دوره ارائه خدمت مربوط، به‌عنوان کاهش مخارج خدمت شناسایی کند. مثالهایی از کمکهای مستقل از تعداد سالهای ارائه خدمت، شامل مواردی مانند کمکهای مبتنی بر درصد ثابتی از حقوق کارکنان، مبلغ ثابت کمک در کل دوره ارائه خدمت یا کمکهای وابسته به سن کارکنان است.

بند الف(1)، رهنمود بکارگیری مربوط را ارائه می‌کند.

94. در مورد کمکهای کارکنان یا اشخاص ثالث که طبق بند 93(الف)، قابل تخصیص به دوره‌های ارائه خدمت است، تغییر در کمکها منجر به موارد زیر می‌شود:

الف. مخارج خدمت جاری و گذشته (در صورتی که تغییرات، در مفاد رسمی طرح معین نشده باشد و ناشی از تعهدات عرفی نباشد)؛ یا

ب. سودها و زیانهای اکچوئری (در صورتی که تغییرات، در مفاد رسمی طرح معین شده باشد یا ناشی از تعهد عرفی باشد).

95. برخی مزایای دوران بازنشستگی، به متغیرهایی مانند سطح مزایای بازنشستگی دولتی یا خدمات بهداشتی-درمانی دولتی وابسته هستند. اندازه‌گیری چنین مزایایی، نشان‌دهنده

بهترین برآورد از این متغیرها، بر مبنای داده‌های تاریخی و سایر شواهد قابل اتکا است.

96. در مفروضات مربوط به مخارج درمانی باید تغییرات آتی برآوردی در مخارج خدمات بهداشتی-درمانی که ناشی از تورم و تغییرات خاص در مخارج بهداشتی-درمانی است، لحاظ شود.

97. اندازه‌گیری مزایای بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی به مفروضاتی درباره میزان و تعداد ادعاهای آتی و مخارج پاسخ به این ادعاها نیاز دارد. واحد تجاری، مخارج بهداشتی-درمانی آتی را بر مبنای داده‌های تاریخی مبتنی بر تجربه خود برآورد می‌کند، که در صورت لزوم، توسط داده‌های تاریخی سایر واحدهای تجاری، شرکتهای بیمه، ارائه‌کنندگان خدمات بهداشتی، درمانی یا سایر منابع تکمیل می‌شود. در برآورد مخارج بهداشتی-درمانی آتی، تأثیر پیشرفت‌های فناوری، تغییر در بهره‌مندی از مراقبتهای بهداشتی یا الگوهای ارائه خدمات و تغییرات در وضعیت سلامت مشارکت‌کنندگان طرح در نظر گرفته می‌شود.

98. میزان و تعداد ادعاها، بطور خاصی به سن، وضعیت سلامت و جنسیت کارکنان (و افراد تحت تکفل آنها) حساس است و ممکن است نسبت نسبت به عوامل دیگری از قبیل موقعیت جغرافیایی نیز حساسیت نشان دهد. بنابراین، داده‌های تاریخی، به میزان تفاوت ترکیب جمعیت‌شناسی جامعه با ترکیب جمعیت‌شناسی مورد استفاده به عنوان مبنای داده‌ها، تعدیل می‌شود. همچنین، در مواردی که شواهد قابل اتکا مبنی بر عدم تداوم روندهای تاریخی وجود داشته باشد، تعدیلات انجام می‌گیرد.

مخارج خدمت گذشته و سودها و زیانهای تسویه

99. قبل از تعیین مخارج خدمت گذشته، یا سود یا زیان تسویه، واحد تجاری باید با استفاده از ارزش منصفانه جاری داراییهای طرح و مفروضات فعلی اکچوئری (شامل نرخ بهره جاری در بازار و سایر قیمت‌های جاری در بازار) که مزایای پیش‌شنه‌های پیش از تغییر، محدودسازی یا تسویه طرح را منعکس می‌کند، خالص بدهی (دارایی) مزایای معین را تجدید اندازه‌گیری نماید.

100. در صورتی که تغییر، محدودسازی و تسویه طرح همزمان واقع شود، ضرورتی ندارد که واحد تجاری مخارج خدمت گذشته ناشی از تغییر طرح، مخارج خدمت گذشته ناشی از محدودسازی و سود یا زیان تسویه را تفکیک کند. در برخی موارد، تغییر طرح قبل از تسویه انجام می‌شود، مانند زمانی که واحد تجاری مزایای طرح را تغییر می‌دهد و سپس مزایای تغییر یافته را تسویه می‌کند. در این موارد، واحد

تجاری مخارج خدمت گذشته را قبل از سود یا زیان تسویه شناسایی می‌کند.

101. در صورتی تسویه، همراه با تغییر و محدودسازی طرح واقع شده است که در نتیجه خاتمه طرح، تعهدات تسویه و طرح متوقف شده باشد. با وجود این، در صورتی توقف طرح، تسویه محسوب نمی‌شود که طرح جدیدی جایگزین طرح موجود شود که مزایایی با ماهیت یکسان داشته باشد.

مخارج خدمت گذشته

102. مخارج خدمت گذشته، تغییر در ارزش فعلی تعهدات مزایای معین ناشی از تغییر یا محدودسازی طرح است.

103. واحد تجاری باید مخارج خدمت گذشته را در یکی از تاریخهای زیر، هر کدام که زودتر باشد، به عنوان هزینه شناسایی کند:

- الف. هنگامی که تغییر یا محدودسازی طرح واقع می‌شود؛ و
- ب. هنگامی که واحد تجاری، مخارج تجدید ساختار مربوط (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 مراجعه شود) یا مزایای خاتمه خدمت (به بند 165 مراجعه شود) را شناسایی می‌کند.

104. تغییر طرح زمانی واقع می‌شود که واحد تجاری، یک طرح با مزایای معین ایجاد کند یا آن را کنار بگذارد یا مزایای قابل پرداخت طبق طرح با مزایای معین موجود را تغییر دهد.

105. محدودسازی زمانی واقع می‌شود که واحد تجاری بطور قابل ملاحظه‌ای، تعداد کارکنان تحت پوشش طرح را کاهش دهد. محدودسازی ممکن است ناشی از یک رویداد مجزا نظیر تعطیلی یک کارخانه، توقف عملیات یا خاتمه یا تعلیق طرح باشد.

106. مخارج خدمت گذشته، ممکن است مثبت (هنگامی که ایجاد یا تغییر طرح موجب افزایش ارزش فعلی تعهدات مزایای معین شود) یا منفی (هنگامی که کنار گذاشتن یا تغییر طرح موجب کاهش ارزش فعلی تعهدات مزایای معین شود) باشد.

107. در شرایطی که واحد تجاری، مزایای قابل پرداخت طبق طرح با مزایای معین موجود را کاهش دهد و همزمان، سایر مزایای قابل پرداخت طبق طرح به همان کارکنان را افزایش دهد، این تغییر، به عنوان یک تغییر خالص واحد در نظر گرفته می‌شود.

108. مخارج خدمت گذشته شامل موارد زیر نیست:

الف. اثر تفاوت بین افزایش حقوق واقعی و افزایش حقوق پیش‌بینی‌شده قبلی بر تعهد پرداخت مزایا بابت خدمت

در سالهای گذشته (مخارج خدمت گذشته وجود ندارد زیرا مفروضات اکچوئری استفاده از حقوق پیش‌بینی شده را مجاز می‌کند)؛

ب. برآورد کمتر از واقع و بیش‌تر از واقع افزایش اختیاری مستمری بازنشستگی، هنگامی که واحد تجاری برای اعطای این افزایش‌ها تعهد عرفی دارد (مخارج خدمت گذشته وجود ندارد زیرا مفروضات اکچوئری چنین افزایش‌هایی را مجاز می‌کند)؛

پ. برآورد افزایش مزایای ناشی از سودهای اکچوئری یا بازده دارایی‌های طرح که در صورتهای مالی شناسایی شده است، مشروط بر آنکه واحد تجاری، طبق مفاد رسمی طرح (یا تعهدات عرفی فراتر از مفاد طرح) یا قانون، متعهد به استفاده از مازاد طرح به نفع مشارکت‌کنندگان طرح باشد، حتی اگر افزایش‌مزایا هنوز بطور رسمی اعطا نشده باشد (مخارج خدمت گذشته وجود ندارد زیرا افزایش در تعهدات، زیان اکچوئری است، به بند 88 مراجعه شود)؛ و

ت. افزایش در مزایای قطعی (یعنی مزایایی که مشروط به اشتغال آتی نباشد، به بند 72 مراجعه شود) در صورتی که در نبود مزایای جدید یا افزایش‌یافته، کارکنان الزامات قطعی شدن مزایا را احراز کنند (مخارج خدمت گذشته وجود ندارد زیرا واحد تجاری مخارج برآوردی مزایا را هنگام ارائه خدمت، به عنوان مخارج خدمت جاری شناسایی کرده است).

سودها یا زیانهای تسویه

109. سود یا زیان تسویه عبارت است از تفاوت بین:

الف. ارزش فعلی تعهدات مزایای معین که تسویه می‌شود، و در تاریخ تسویه تعیین شده است؛ و

ب. قیمت تسویه، شامل تمام دارایی‌های انتقال‌یافته طرح و تمام پرداخت‌هایی که بطور مستقیم توسط واحد تجاری در ارتباط با تسویه انجام می‌شود.

110. واحد تجاری باید سود یا زیان تسویه طرح با مزایای معین را هنگام وقوع تسویه شناسایی کند.

111. تسویه زمانی رخ می‌دهد که واحد تجاری معامله‌ای انجام دهد که تمام تعهدات قانونی یا عرفی بیشتر بابت تمام یا بخشی از مزایای ارائه شده طبق طرح با مزایای معین (به غیر از پرداخت مزایا به کارکنان، یا از طرف آنها، طبق مفاد طرح و در نظر گرفته شده در مفروضات اکچوئری) را

حذف کند. برای مثال، انتقال یکباره تعهدات با اهمیت کارفرما طبق طرح به شرکت بیمه از طریق خرید بیمه‌نامه، تسویه محسوب می‌شود؛ پرداخت نقدی به صورت یکجا طبق مفاد طرح، به مشارکت‌کنندگان طرح در ازای حق آنها برای دریافت مزایای معین دوران بازنشستگی، تسویه محسوب نمی‌شود.

112. در برخی موارد، واحد تجاری به منظور تأمین مالی تمام یا بخشی از مزایای مرتبط با خدمت کارکنان در دوره‌های جاری یا گذشته، بیمه‌نامه تحصیل می‌کند. اگر واحد تجاری، در صورت عدم پرداخت مزایای مشخص شده در بیمه‌نامه توسط بیمه‌گر، تعهد قانونی یا عرفی (به بند 46 مراجعه شود) برای پرداخت مبالغ اضافی داشته باشد، خرید این بیمه‌نامه تسویه محسوب نمی‌شود. شناخت و اندازه‌گیری حق استرداد وجوه طبق بیمه‌نامه‌هایی که جزء داراییهای طرح محسوب نمی‌شوند، در بندهای 116 تا 119 مطرح می‌شود.

شناخت و اندازه‌گیری: داراییهای طرح

ارزش منصفانه داراییهای طرح

113. برای تعیین مازاد یا کسری، ارزش منصفانه داراییهای طرح از ارزش فعلی تعهدات مزایای معین کسر می‌شود.

114. داراییهای طرح، دربردارنده کمکهای پرداختنشده تعهد شده از طرف واحد گزارشگر به صندوق، و نیز هرگونه ابزار مالی غیر قابل انتقال منتشر شده توسط واحد تجاری و نگهداری شده توسط صندوق نمی‌باشد. داراییهای طرح، از طریق آن دسته از بدهیهای صندوق مانند، مانند پرداختنیهای تجاری و سایر پرداختنیها و بدهیهای ناشی از ابزارهای مالی مشتقه، که با مزایای کارکنان ارتباط ندارد، کاهش می‌یابد.

115. اگر داراییهای طرح شامل بیمه‌نامه‌های واجد شرایطی باشد که دقیقاً با مبلغ و زمانبندی تمام یا برخی مزایای قابل پرداخت طبق طرح تطابق دارند، فرض می‌شود ارزش منصفانه این بیمه‌نامه‌ها با ارزش فعلی تعهدات مربوط (شامل هرگونه کاهش موردنیاز در صورتی که مبالغ قابل دریافت طبق بیمه‌نامه‌ها بطور کامل قابل بازیافت نباشد) برابر است.

استرداد وجوه

116. تنها در صورتی که جبران تمام یا بخشی از مخارج لازم برای تسویه تعهدات مزایای معین توسط طرف دیگری تقریباً قطعی باشد، واحد تجاری باید:

الف. حق استرداد وجوه را به عنوان یک دارایی جداگانه شناسایی کند. واحد تجاری باید این دارایی را به ارزش منصفانه اندازه‌گیری نماید.

ب. تغییرات ارزش منصفانه حق استرداد وجوه را به همان شیوه مورد استفاده برای تغییرات ارزش منصفانه داراییهای طرح، تفکیک و شناسایی کند (به بندهای 124 و 125 مراجعه شود). اجزای مخارج مزایای معین شناسایی شده طبق بند 120 ممکن است پس از کسر مبالغ مربوط به تغییرات مبلغ دفتری حق استرداد وجوه شناسایی شود.

117. گاهی واحد تجاری می‌تواند انتظار داشته باشد که طرف دیگر، مانند بیمه‌گر، تمام یا بخشی از مخارج لازم برای تسویه تعهدات مزایای معین را پرداخت کند. بیمه‌نامه‌های واجد شرایط، طبق تعریف بند 8، دارایی طرح محسوب می‌شوند. واحد تجاری بیمه‌نامه‌های واجد شرایط را به همان شیوه مورد استفاده برای سایر داراییهای طرح به حساب منظور می‌کند و بند 116 در مورد آن کاربرد ندارد (به بندهای 46 تا 49 و 115 مراجعه شود).

118. در صورتی که بیمه‌نامه در اختیار واحد تجاری، بیمه‌نامه واجد شرایط نباشد، بیمه‌نامه مزبور دارایی طرح محسوب نمی‌شود. بند 116 در این مورد کاربرد دارد: واحد تجاری حق استرداد وجوه طبق بیمه‌نامه را، به‌جای کاهش در تعیین کسری یا مازاد مزایای معین، به عنوان دارایی جداگانه شناسایی می‌کند. طبق بند 140 (ب)، واحد تجاری باید شرحی مختصر از ارتباط بین حق استرداد وجوه و تعهدات مربوط را افشا کند.

119. اگر حق استرداد وجوه، طبق بیمه‌نامه‌ای ایجاد شود که دقیقاً با مبلغ و زمانبندی تمام یا بخشی از مزایای قابل پرداخت طبق طرح با مزایای معین تطابق دارد، فرض می‌شود ارزش منصفانه حق استرداد وجوه با ارزش فعلی تعهدات مربوط (با در نظر گرفتن هرگونه کاهش لازم در صورتی که استرداد وجوه بطور کامل قابل بازیافت نباشد) برابر است.

اجزای مخارج مزایای معین

120. واحد تجاری باید اجزای مخارج مزایای معین را، به استثنای مبالغی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری احتساب آن را در بهای تمام شده یک دارایی الزامی یا مجاز می‌داند، به شرح زیر شناسایی کند:

الف. مخارج خدمات (به بندهای 66 تا 112 مراجعه شود) در سود یا زیان دوره؛

ب. بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بندهای 123 تا 126 مراجعه شود) در سود یا زیان دوره؛ و

پ. تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بندهای 127 تا 130 مراجعه شود) در سایر اقلام سود یا زیان جامع.

121. سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، احتساب برخی مخارج مزایای کارکنان در بهای تمام شده داراییهایی مانند موجودیها و املاک، ماشین‌آلات و تجهیزات را الزامی می‌کند (به استاندارد بین‌المللی حسابداری 2 و استاندارد بین‌المللی حسابداری 16 مراجعه شود). هرگونه مخارج مزایای دوران بازنشستگی منظور شده در بهای تمام شده چنین داراییهایی، شامل سهم متناسبی از اجزای اشاره شده در بند 120 است.

122. تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین شناسایی شده در سایر اقلام سود یا زیان جامع، نباید در دوره‌های بعد به سود یا زیان دوره انتقال یابد. با وجود این، ممکن است واحد تجاری مبالغ شناسایی شده در سایر اقلام سود یا زیان جامع را به حقوق مالکانه منتقل کند.

بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین

123. بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین، باید از طریق حاصل‌ضرب خالص بدهی (دارایی) مزایای معین در نرخ تنزیل مشخص شده طبق بند 83 تعیین شود، که هر دو در ابتدای دوره گزارشگری سالانه، با در نظر گرفتن تمام تغییرات در خالص بدهی (دارایی) مزایای معین طی دوره در نتیجه پرداختهای کمک و مزایا تعیین می‌شود.

124. بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین می‌تواند شامل درآمد بهره داراییهای طرح، هزینه بهره تعهدات مزایای معین و بهره مربوط به اثر سقف دارایی اشاره شده در بند 64 باشد.

125. درآمد بهره مربوط به داراییهای طرح، جزئی از بازده مربوط به داراییهای طرح است و از حاصل‌ضرب ارزش منصفانه داراییهای طرح در نرخ تنزیل مشخص شده طبق بند 83 محاسبه می‌شود، که هر دو در ابتدای دوره گزارشگری سالانه، با در نظر گرفتن تمام تغییرات در داراییهای نگهداری شده طرح طی دوره در نتیجه پرداختهای کمک و مزایا تعیین می‌شود. تفاوت بین درآمد بهره داراییهای طرح و بازده داراییهای طرح، در تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین منظور می‌شود.

126. بهره مربوط به اثر سقف دارایی، بخشی از کل تغییر در اثر سقف دارایی است و از حاصل‌ضرب اثر سقف دارایی در نرخ تنزیل مشخص شده طبق بند 83 تعیین می‌شود، که هر دو در ابتدای دوره گزارشگری سالانه مشخص شده است. تفاوت بین این مبلغ و کل تغییر در اثر سقف دارایی، در تجدید

اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین منظور می‌شود.

تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین

127. تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین از موارد زیر تشکیل شده است:

الف. سودها و زیانهای اکچوئری (به بندهای 128 و 129 مراجعه شود)؛

ب. بازده داراییهای طرح (به بند 130 مراجعه شود)، به غیر از مبالغ منظور شده در بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بند 125 مراجعه شود)؛ و

پ. هرگونه تغییر در اثر سقف دارایی، به غیر از مبالغ منظور شده در بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بند 126 مراجعه شود).

128. سودها یا زیانهای اکچوئری، از افزایش یا کاهش در ارزش فعلی تعهدات مزایای معین به دلیل تغییر در مفروضات اکچوئری و تعدیل تجربی، ناشی می‌شود. برای مثال، موارد زیر می‌تواند موجب ایجاد سودها و زیانهای اکچوئری می‌شود:

الف. بالا یا پایین بودن غیرمنتظره نرخ گردش شغلی کارکنان، بازنشستگی پیش از موعد یا مرگ و میر یا افزایش در حقوق، مزایا (در صورتی که در مفاد رسمی یا عرفی طرح، افزایش مزایا به دلیل تورم ذکر شده باشد) یا مخارج بهداشتی-درمانی؛

ب. اثر تغییر در مفروضات مربوط به اختیارات پرداخت مزایا؛

پ. اثر تغییر در برآورد گردش آتی کارکنان، بازنشستگی پیش از موعد یا مرگ و میر یا افزایش در حقوق، مزایا (در صورتی که در مفاد رسمی یا عرفی طرح، افزایش مزایا به دلیل تورم ذکر شده باشد) یا مخارج بهداشتی-درمانی؛ و

ت. اثر تغییر در نرخ تنزیل.

129. سودها و زیانهای اکچوئری، تغییر در ارزش فعلی تعهدات مزایای معین به دلیل ایجاد، تغییر، محدودسازی یا تسویه طرح با مزایای معین، یا تغییر در مزایای قابل پرداخت طبق طرح با مزایای معین را شامل نمی‌شود. چنین تغییراتی

منجر به مخارج خدمت گذشته یا سودها یا زیانهای تسویه می‌شود.

130. در تعیین بازده داراییهای طرح، واحد تجاری مخارج مدیریت داراییهای طرح و هرگونه مالیات قابل پرداخت توسط طرح را، به غیر از مالیات منظور شده در مفروضات اکچوئری مورد استفاده در اندازه‌گیری تعهدات مزایای معین، کسر می‌کند (بند 76). سایر مخارج اداری از بازده داراییهای طرح کسر نمی‌شود.

ارائه

تهاتر

131. واحد تجاری تنها زمانی باید دارایی مربوط به یک طرح را با بدهی مربوط به طرح دیگر تهاتر کند که:

الف. از حق قانونی قابل اعمال برای استفاده از مازاد یک طرح در تسویه تعهدات طرح دیگر برخوردار باشد؛ و

ب. قصد داشته باشد تعهدات را بر مبنای خالص تسویه کند، یا همزمان مازاد یک طرح را دریافت و تعهدات خود طبق طرحی دیگر را تسویه نماید.

132. معیارهای تهاتر، مشابه معیارهای تعیین‌شده برای ابزارهای مالی در استاندارد بین‌المللی حسابداری 32 ابزارهای مالی: ارائه است.

تمایز جاری/غیرجاری

133. برخی واحدهای تجاری بین داراییها و بدهیهای جاری با داراییها و بدهیهای غیرجاری تمایز قائل می‌شوند. این استاندارد مشخص نمی‌کند که آیا واحد تجاری باید بین بخشهای جاری و غیرجاری داراییها و بدهیهای ناشی از مزایای دوران بازنشستگی تمایز قائل شود یا خیر.

اجزای مخارج مزایای معین

134. بند 120 واحد تجاری را ملزم می‌کند مخارج خدمت و بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین را در سود یا زیان دوره شناسایی کند. این استاندارد تعیین نمی‌کند که واحد تجاری چگونه باید مخارج خدمت و بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین را ارائه نماید. واحد تجاری این اجزا را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 1 ارائه می‌کند.

افشا

135. واحد تجاری باید اطلاعاتی افشا کند که:

الف. ویژگیهای طرحهای با مزایای معین و ریسکهای مربوط به آنها را تشریح کند (به بند 139 مراجعه شود)؛

ب. مبالغ ناشی از طرحهای با مزایای معین را در صورتهای مالی مشخص کند و توضیح دهد (به بندهای 140 تا 144 مراجعه شود)؛
و

پ. چگونگی تأثیر طرحهای با مزایای معین بر مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان نسبت به جریانهای نقدی آتی واحد تجاری را تشریح کند (به بندهای 145 تا 147 مراجعه شود).

136. برای دستیابی به اهداف بند 135، واحد تجاری باید تمام موارد زیر را در نظر بگیرد:

الف. سطح جزئیات مورد نیاز برای دستیابی به الزامات افشا؛

ب. میزان تأکید بر هر یک از الزامات مختلف؛

پ. میزان جمع یا تفکیک مورد نیاز؛ و

ت. نیاز استفاده کنندگان صورتهای مالی به اطلاعات بیشتر برای ارزیابی اطلاعات کمی افشاشده.

137. اگر موارد افشای ارائه‌شده طبق الزامات این استاندارد و سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی برای دستیابی به اهداف بند 135 کافی نباشد، واحد تجاری باید اطلاعات بیشتر ضروری برای دستیابی به آن اهداف را افشا کند. برای مثال، ممکن است واحد تجاری تجزیه و تحلیلی از ارزش فعلی تعهدات مزایای معین که ماهیت، ویژگیها و ریسک تعهدات را متمایز کرده است، ارائه کند. چنین افشایی می‌تواند بین موارد زیر تمایز قائل شود:

الف. بین مبالغ بدهکار به اعضای فعال، اعضای تعلیق‌شده، و مستمری‌بگیران.

ب. بین مزایای قطعی‌شده و مزایای تحقق‌یافته اما قطعی‌نشده.

پ. بین مزایای مشروط، مبالغ قابل تخصیص به افزایش حقوق آتی و سایر مزایا.

138. واحد تجاری باید ارزیابی کند که آیا تمام یا بخشی از موارد افشا باید به منظور تمایز طرحها یا گروههایی متشکل از طرحهایی با ریسکهای اساساً متفاوت تفکیک شود

یا خیر. برای مثال، واحد تجاری ممکن است افشا درباره طرحها را با نشان دادن يك یا چند ویژگی زیر تفکیک کند:
الف. موقعیتهای جغرافیایی متفاوت.

ب. ویژگیهای متفاوت مانند طرحهای مستمری بازنشستگی یکنواخت، طرحهای مستمری بازنشستگی مبتنی بر آخرین حقوق یا طرحهای بهداشتی-درمانی دوران بازنشستگی.

پ. محیطهای قانونی متفاوت.

ت. قسمتهای گزارشگری متفاوت.

ث. توافقیهای تأمین مالی متفاوت (برای مثال، کاملاً تأمین مالی‌نشده، کاملاً یا تا بخشی تأمین مالی‌شده).

ویژگیهای طرحهای با مزایای معین و ریسکهای مربوط به آنها

139. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. اطلاعات درباره ویژگیهای طرحهای با مزایای معین، شامل:

ماهیت مزایای ارائه‌شده توسط طرح (برای مثال، طرح با مزایای معین مبتنی بر آخرین حقوق یا طرح مبتنی بر کمک همراه با تضمین).

شرحی از چارچوب قانونی که طرح طبق آن فعالیت می‌کند، برای مثال سطح حداقل الزامات تأمین مالی و هرگونه تأثیر چارچوب قانونی بر طرح، مانند سقف دارایی (به بند 64 مراجعه شود).

شرحی از سایر مسئولیتهای واحد تجاری برای راهبری طرح، برای مثال، مسئولیتهای هیئتامنا یا اعضای هیئتمدیره طرح.

ب. تشریح ریسکهایی که طرح، واحد تجاری را در معرض آن قرار می‌دهد، با تمرکز بر ریسکهای غیرعادی، ریسکهای خاص واحد تجاری یا ریسکهای خاص طرح و تمرکز ریسک با اهمیت. برای مثال، اگر داراییهای طرح اساساً در يك طبقه از سرمایه‌گذاریها، برای مثال املاک، سرمایه‌گذاری شده باشد، ممکن است طرح، واحد تجاری را در معرض تمرکز ریسک بازار املاک قرار دهد.

پ. شرحی از هرگونه تغییر، محدودسازی و تسویه طرح.

تشریح مبالغ مندرج در صورتهای مالی

140. واحد تجاری باید صورت تطبیق مانده ابتدا و پایان دوره را در صورت لزوم، برای هر يك از موارد زیر تهیه کند:

الف. خالص بدهی (دارایی) مزایای معین، به‌گونه‌ای که تطبیق موارد زیر را جداگانه نشان دهد:

1. داراییهای طرح.

2. ارزش فعلی تعهدات مزایای معین.

3. اثر سقف دارایی.

ب. هرگونه حق استرداد وجوه. همچنین، واحد تجاری باید رابطه بین هرگونه حق استرداد و تعهدات مربوط را تشریح کند.

141. هر یک از صورتهای تطبیق اشاره‌شده در بند 140 باید در صورت لزوم، هر یک از موارد زیر را نشان دهد:

الف. مخارج خدمت جاری.

ب. درآمد یا هزینه بهره.

پ. تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین، به‌گونه‌ای که موارد زیر جداگانه نشان داده شود:

1. بازده داراییهای طرح، به غیر از مبالغ منظور شده در بهره موضوع قسمت (ب).

2. سودها و زیانهای اکچوئری ناشی از تغییر در مفروضات جمعیت‌شناسی (به بند 76(الف) مراجعه شود).

3. سودها و زیانهای اکچوئری ناشی از تغییر در مفروضات مالی (به بند 76(ب) مراجعه شود).

4. تغییر در تأثیر محدود کردن خالص دارایی مزایای معین بر سقف دارایی، به غیر از مبالغ منظور شده در بهره موضوع قسمت (ب). همچنین، واحد تجاری باید چگونگی تعیین حداکثر منافع اقتصادی در دسترس را افشا کند، به بیان دیگر، اینکه منافع مزبور، به‌صورت استرداد وجوه، کاهش در کمکه‌های آتی یا ترکیبی از هر دو است.

ت. مخارج خدمت گذشته و سودها و زیانهای ناشی از تسویه. همان‌گونه که در بند 100 مجاز شده است، مخارج خدمت گذشته و سودها و زیانهای ناشی از تسویه، در صورتی که همزمان رخ دهند، نیاز به تفکیک ندارند.

ث. اثر تغییر در نرخهای مبادله ارزی.

ج. کمک به طرح، به‌گونه‌ای که کمک‌های کارفرما و کمک‌های مشارکت‌کنندگان طرح، جداگانه نشان داده شود.

چ. پرداخت‌های طرح، به‌گونه‌ای که مبلغ پرداختی در ارتباط با هر تسویه، جداگانه نشان داده شود.

ح. آثار ترکیب‌های تجاری و واگذاری‌ها.

142. واحد تجاری به منظور متمایز کردن ماهیت و ریسک دارایی‌های طرح، باید ارزش منصفانه دارایی‌های طرح را به طبقاتی تفکیک نماید و هر طبقه از دارایی‌های طرح را نیز به طبقاتی که دارای قیمت بازار اعلام شده در بازار فعال (طبق تعریف مندرج در استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 اندازه‌گیری ارزش منصفانه) است و طبقاتی که چنین قیمت اعلام‌شده‌ای ندارند، تقسیم کند. برای مثال، با توجه به سطح افشای تشریح‌شده در بند 136، واحد تجاری می‌تواند بین موارد زیر تمایز قایل شود:

الف. نقد و معادل‌های نقد؛

ب. ابزارهای مالکانه (که بر حسب نوع صنعت، اندازه شرکت، موقعیت جغرافیایی و غیره تفکیک شده است)؛

پ. ابزارهای بدهی (که بر حسب نوع ناشر، کیفیت اعتباری، موقعیت جغرافیایی و غیره تفکیک شده است)؛

ت. املاک (که بر حسب موقعیت جغرافیایی و غیره تفکیک شده است)؛

ث. ابزارهای مشتقه (که بر حسب نوع ریسک اصلی قرارداد، برای مثال، قراردادهای نرخ بهره، قراردادهای مبادله ارزی، قراردادهای مالکانه، قراردادهای اعتباری، سوآپ‌های بلندمدت و غیره تفکیک شده است)؛

ج. صندوق‌های سرمایه‌گذاری (که بر حسب نوع صندوق تفکیک شده است)؛

چ. اوراق بهادار با پشتوانه دارایی؛ و

ح. بدهی ساختاریافته.

143. واحد تجاری باید ارزش منصفانه ابزارهای مالی قابل انتقال خود که به عنوان دارایی‌های طرح نگهداری می‌کند، و ارزش منصفانه دارایی‌های طرح که املاک مورد استفاده واحد تجاری است، یا سایر دارایی‌های مورد استفاده واحد تجاری را افشا کند.

144. واحد تجاری باید مفروضات اکچوئری بااهمیت مورد استفاده در تعیین ارزش فعلی تعهدات مزایای معین را

افشا کند (به بند 76 مراجعه شود). این موارد افشا باید به صورت مطلق (برای مثال، به عنوان در صدی مطلق، و نه به عنوان دامنه‌ای از در صد های متفاوت و سایر متغیرها) باشد. اگر واحد تجاری موارد افشا را بطور کلی برای گروه طرحها ارائه کند، باید این افشاها را به صورت میانگین موزون یا بازه‌های نسبتاً محدود ارائه کند.

مبلغ، زمانبندی و عدم اطمینان نسبت به جریانهای نقدی آتی

145. واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. تحلیل حساسیت برای هر یک از مفروضات اکچوئری با اهمیت (که طبق بند 144 افشا می‌شود) در پایان دوره گزارشگری، به‌گونه‌ای که نشان دهد تعهدات مزایای معین چگونه تحت تأثیر تغییرات در مفروضات اکچوئری مربوط که در آن تاریخ بطور معقول محتمل بوده است، قرار می‌گیرد.

ب. روشها و مفروضات مورد استفاده در تهیه تحلیل حساسیت مندرج در قسمت (الف) و محدودیتهای آن روشها.

پ. تغییر در روشها و مفروضات مورد استفاده در تهیه تحلیل حساسیت نسبت به دوره گذشته، و دلایل این تغییرات.

146. واحد تجاری باید به منظور مدیریت ریسک، شرحی از هرگونه راهبرد تطابق دارایی-بدهی که توسط طرح یا واحد تجاری مورد استفاده قرار گرفته است، شامل استفاده از سالواره‌ها و سایر تکنیکها، مانند سوآپهای بلندمدت، را افشا کند.

147. برای نشان دادن تأثیر طرح با مزایای معین بر جریانهای نقدی آتی واحد تجاری، واحد تجاری باید موارد زیر را افشا کند:

الف. شرحی از هرگونه قرارداد تأمین مالی و سیاست تأمین مالی که بر کمکهایی آتی تأثیر می‌گذارد.

ب. کمکهایی مورد انتظار به طرح برای دوره گزارشگری سالانه بعدی.

پ. اطلاعات درباره سررسید تعهدات مزایای معین. این اطلاعات شامل میانگین موزون دوره تعهدات مزایای معین است و ممکن است شامل اطلاعات دیگری درباره توزیع زمانبندی پرداختهای مزایا، مانند تجزیه و تحلیل سررسید پرداختهای مزایا باشد.

طرحهای چندکارفرمایی

148. اگر واحد تجاری در یک طرح با مزایای معین چندکارفرمایی مشارکت کند، باید موارد زیر را افشا کند:

الف. شرحی از توافقیهای تأمین مالی، شامل روش مورد استفاده برای تعیین نرخ کمکهای واحد تجاری و حداقل الزامات تأمین مالی.

ب. شرحی از میزان بدهی واحد تجاری به طرح بابت تعهدات سایر واحدهای تجاری طبق مفاد و شرایط طرح چندکارفرمایی.

پ. شرحی از هرگونه تخصیص توافقی کسری یا مازاد مربوط به:

1. خاتمه طرح؛ یا

2. کناره‌گیری واحد تجاری از طرح.

ت. در صورتی که واحد تجاری، آن طرح را طبق بند 34، همانند یک طرح با کمک معین در نظر بگیرد، باید افزون بر اطلاعات الزامی طبق قسمتهای (الف) تا (پ) و به جای اطلاعات الزامی در بندهای 139 تا 147، موارد زیر را افشا کند:

1. این موضوع که طرح، یک طرح با مزایای معین است.

2. دلیل اینکه چرا اطلاعات کافی در دسترس نیست تا واحد تجاری بتواند طرح را به عنوان طرح با مزایای معین در نظر گیرد.

3. کمکهای مورد انتظار به طرح در دوره گزارشگری سالانه بعدی.

4. اطلاعات درباره هرگونه کسری یا مازاد واحد تجاری در طرح که ممکن است بر مبلغ کمکهای آتی مؤثر باشد، شامل مبنای مورد استفاده برای تعیین کسری یا مازاد و کاربردهای آن، در صورت وجود، برای واحد تجاری.

5. بیان سطح مشارکت واحد تجاری در طرح، در مقایسه با سایر واحدهای تجاری مشارکت‌کننده. از جمله معیارهایی که در صورت دسترسی به اطلاعات، میتواند این موضوع را به خوبی نشان دهد، سهم واحد تجاری از کل کمکها به طرح یا سهم واحد تجاری از کل اعضای فعال، اعضای بازنشسته و اعضای پیشین مستحق دریافت مزایا می‌باشد.

طرحهای با مزایای معینی که ریسکها را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک تقسیم می‌کنند

149. اگر واحد تجاری در طرح با مزایای معینی مشارکت کند که ریسک را بین واحدهای تجاری تحت کنترل مشترک تقسیم می‌کند، باید موارد زیر را افشا نماید:

الف. توافق قراردادی یا رویه تعیین‌شده برای منظور کردن خالص مخارج مزایای معین یا این موضوع که چنین رویه‌ای وجود ندارد.

ب. رویه تعیین کمکهای قابل پرداخت توسط واحد تجاری.

پ. در صورتی که واحد تجاری تخصیص خالص مخارج مزایای معین را طبق بند 41 به حساب منظور کند، تمام اطلاعات درباره کل طرح به عنوان یک مجموعه، طبق الزامات بندهای 135 تا 147.

ت. در صورتی که واحد تجاری، کمک قابل پرداخت طی دوره را طبق بند 41 به حساب منظور کند، اطلاعات مربوط به کل طرح به عنوان یک مجموعه، طبق الزامات بندهای 135 تا 137، 139، 142 تا 144 و 147 (الف) و (ب).

150. اطلاعات الزامی طبق بند 149 (پ) و (ت)، در صورتی می‌تواند با عطف متقابل به موارد افشا در صورتهای مالی واحد تجاری دیگر عضو گروه افشا شود که:

الف. صورتهای مالی آن واحد تجاری عضو گروه، اطلاعات لازم درباره طرح را جداگانه مشخص و افشا کرده باشد؛
و

ب. صورتهای مالی آن واحد تجاری عضو گروه، طبق همان شرایط صورتهای مالی واحد تجاری و در همان زمان یا زودتر از صورتهای مالی واحد تجاری، در دسترس استفاده‌کنندگان صورتهای مالی باشد.

الزامات افشا در سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی

151. در مواردی که توسط استاندارد بین‌المللی حسابداری 24 الزامی شده است، واحد تجاری اطلاعاتی درباره موارد زیر را افشا می‌کند:

الف. معاملات اشخاص وابسته با طرحهای مزایای دوران بازنشستگی؛ و

ب. مزایای دوران بازنشستگی مدیران اصلی.

152. در مواردی که توسط استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 الزامی شده است، واحد تجاری اطلاعاتی درباره بدهیهای احتمالی ناشی از تعهدات مزایای دوران بازنشستگی افشا می‌کند.

سایر مزایای بلندمدت کارکنان

153. سایر مزایای بلندمدت کارکنان شامل اقلام زیر است، به شرط آنکه انتظار نرود این اقلام پیش از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری سالانه‌ای که کارکنان خدمت مربوط را در آن ارائه می‌کنند، بطور کامل تسویه شوند:

الف. مرخصی بلندمدت با حقوق مانند مرخصی خدمت بلندمدت یا فرصت مطالعاتی؛

ب. مزایای وفاداری بلندمدت یا سایر مزایای خدمات بلندمدت؛

پ. مزایای ازکارافتادگی بلندمدت؛

ت. پاداشها و مشارکت در سود؛ و

ث. حقوق و مزایای انتقالی.

154. عدم اطمینان در اندازه‌گیری سایر مزایای بلندمدت کارکنان، معمولاً به اندازه عدم اطمینان در اندازه‌گیری مزایای دوران بازنشستگی نیست. به همین دلیل، این استاندارد روش حسابداری ساده‌ای را برای سایر مزایای بلندمدت کارکنان الزامی می‌کند. برخلاف روش حسابداری الزامی برای مزایای دوران بازنشستگی، در این روش، تجدید اندازه‌گیریها در سایر اقلام سود و زیان جامع شناسایی نمی‌شود.

شناخت و اندازه‌گیری

155. برای شناخت و اندازه‌گیری مازاد یا کسری در سایر طرحهای مزایای بلندمدت کارکنان، واحد تجاری باید بندهای 56 تا 98 و 113 تا 115 را بکار گیرد. واحد تجاری باید برای شناخت و اندازه‌گیری هرگونه حق استرداد وجوه بندهای 116 تا 119 را بکار گیرد.

156. در مورد سایر مزایای بلندمدت کارکنان، واحد تجاری باید خالص کل مبالغ زیر را در سود یا زیان دوره شناسایی کند، مگر تا میزانی که استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی دیگری، منظور کردن آنها در بهای تمام‌شده دارایی را الزامی یا مجاز کند:

- الف. مخارج خدمت (به بندهای 66 تا 112 مراجعه شود)؛
- ب. بهره خالص مربوط به خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بندهای 123 تا 126 مراجعه شود)؛ و
- پ. تجدید اندازه‌گیری خالص بدهی (دارایی) مزایای معین (به بندهای 127 تا 130 مراجعه شود).

157. یکی از اشکال سایر مزایای بلندمدت کارکنان، مزایای ازکارافتادگی بلندمدت است. چنانچه سطح مزایا به طول خدمت بستگی داشته باشد، تعهد هنگام ارائه خدمت ایجاد می‌شود. در اندازه‌گیری تعهد مزبور، احتمال الزامی بودن پرداخت و دوره زمانی مورد انتظار پرداخت لحاظ می‌شود. اگر سطح مزایا برای تمام کارکنان ازکارافتاده، صرفنظر از سنوات خدمت، یکسان باشد، مخارج مورد انتظار آن مزایا، هنگام وقوع رویدادی که منجر به ازکارافتادگی شده است، شناسایی می‌شود.

افشا

158. با وجود اینکه این استاندارد، افشای خاصی را در مورد سایر مزایای بلندمدت کارکنان مطرح نمی‌کند، اما سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است افشاهایی را الزامی کنند. برای مثال، در استاندارد بین‌المللی حسابداری 24، افشای مزایای مدیران اصلی و در استاندارد بین‌المللی حسابداری 1، افشای هزینه مزایای کارکنان الزامی شده است.

مزایای خاتمه خدمت

159. این استاندارد، مزایای خاتمه خدمت را جدا از سایر مزایای کارکنان به حساب منظور می‌کند زیرا رویدادی که منجر به ایجاد تعهد می‌شود، به جای خدمت کارکنان، خاتمه خدمت است. مزایای خاتمه خدمت، ناشی از تصمیم واحد تجاری برای خاتمه خدمت کارکنان یا تصمیم کارکنان برای پذیرش مزایای پیشنهادی در ازای خاتمه خدمت است.

160. مزایای خاتمه خدمت، شامل مزایای کارکنان ناشی از خاتمه خدمت به درخواست کارکنان بدون پیشنهاد واحد تجاری، یا در نتیجه الزامات بازنشستگی اجباری نیست، زیرا آن مزایا، مزایای دوران بازنشستگی محسوب می‌شوند. برخی واحدهای تجاری، بابت خاتمه خدمت به درخواست کارکنان (در اصل، مزایای دوران بازنشستگی) سطح

پایین‌تری از مزایا را در مقایسه با خاتمه خدمت به درخواست واحد تجاری ارائه می‌کنند. تفاوت بین مزایای ارائه‌شده بابت خاتمه خدمت به درخواست کارکنان و مزایای بالاتر ارائه‌شده در حالت خاتمه خدمت به درخواست واحد تجاری، مزایای خاتمه خدمت محسوب می‌شود.

161. شکل مزایای کارکنان مشخص نمی‌کند که مزایا در ازای خدمت یا در ازای خاتمه خدمت کارکنان ارائه می‌شود. مزایای خاتمه خدمت معمولاً پرداخت‌های یکجا هستند، اما برخی مواقع، شامل موارد زیر نیز می‌باشند:

الف. افزایش غیرمستقیم در مزایای دوران بازنشستگی از طریق طرح مزایای کارکنان یا افزایش مستقیم آن.
ب. حقوق تا پایان دوره معین اعلام‌شده، در صورتی که کارکنان خدمات بیشتری که برای واحد تجاری مزایای اقتصادی داشته باشد، ارائه نکنند.

162. از جمله مواردی که نشان می‌دهد مزایای کارکنان در ازای ارائه خدمات تأمین می‌شود، به شرح زیر است:

الف. مزایا مشروط به خدماتی باشد که در آینده ارائه می‌شود (شامل مزایایی که در نتیجه ارائه خدمت بیشتر افزایش می‌یابد).
ب. مزایا طبق شرایط طرح مزایای کارکنان ارائه شود.

163. برخی مزایای خاتمه خدمت طبق شرایط طرح فعلی مزایای کارکنان ارائه می‌شود. برای مثال، ممکن است این مزایا به موجب قانون، قرارداد استخدام یا توافق اتحادیه تعیین شود، یا ممکن است مبتنی بر رویه گذشته کارفرما برای تأمین مزایای مشابه باشد. به عنوان مثالی دیگر، اگر واحد تجاری مزایایی را پیشنهاد دهد که برای مدتی بیش از دوره‌ای کوتاه در دسترس باشد، یا فاصله بین تاریخ پیشنهاد و تاریخ مورد انتظار خاتمه خدمت واقعی بیش از یک دوره کوتاه باشد، واحد تجاری این موضوع را بررسی می‌کند که آیا طرح جدید مزایای کارکنان ایجاد شده است یا خیر، و آیا مزایای پیشنهادی طبق آن طرح، مزایای خاتمه خدمت محسوب می‌شود یا مزایای دوران بازنشستگی. مزایای کارکنان که طبق مفاد طرح مزایای کارکنان ارائه می‌شود، در صورتی مزایای خاتمه خدمت محسوب می‌شود که ناشی از تصمیم واحد تجاری برای خاتمه خدمت کارکنان باشد و مشروط به ارائه خدمت در آینده نباشد.

164. برخی مزایای کارکنان، صرفنظر از دلیل جدایی کارکنان از واحد تجاری ارائه می‌شود. پرداخت چنین مزایایی قطعی

است (با توجه به الزامات قطعی شدن مزایا یا الزامات حداقل ارائه خدمت)، اما زمانبندی پرداخت آنها با عدم اطمینان همراه است. اگرچه در برخی کشورها، چنین مزایایی به عنوان جبران خاتمه خدمت یا پاداش خاتمه خدمت شناخته می‌شود، اما این مزایا، مزایای خاتمه خدمت نیستند و مزایای دوران بازنشستگی به شمار می‌آیند و واحد تجاری آنها را به عنوان مزایای دوران بازنشستگی به حساب منظور می‌کند.

شناخت

165. واحد تجاری باید بدهی و هزینه مزایای خاتمه خدمت را در یکی از زمانهای زیر، هرکدام که زودتر باشد، شناسایی کند:

الف. زمانی که واحد تجاری دیگر نمیتواند پیشنهاد مزایا را لغو کند؛ و

ب. زمانی که واحد تجاری مخارج تجدید ساختاری را که در دامنه کاربرد استاندارد بین‌المللی حسابداری 37 قرار می‌گیرد و شامل پرداخت مزایای خاتمه خدمت است، شناسایی می‌کند.

166. در مورد مزایای خاتمه خدمت قابل پرداخت که از تصمیم کارکنان برای قبول پیشنهاد مزایا در ازای خاتمه خدمت ایجاد می‌شود، زمانی که واحد تجاری، دیگر نمیتواند پیشنهاد مزایا را لغو کند یکی از زمانهای زیر است، هر کدام که زودتر باشد:

الف. زمانی که کارکنان پیشنهاد را قبول می‌کنند؛ و

ب. زمانی که محدودیتی (مانند الزام قانونی، مقرراتی یا قراردادی یا سایر محدودیتها) بر توانایی واحد تجاری برای لغو پیشنهاد تأثیر می‌گذارد. چنانچه در زمان پیشنهاد، محدودیتی وجود داشته باشد، و وضعیت مورد اشاره در صورتی به وجود خواهد آمد که پیشنهاد ارائه شده باشد.

167. در ارتباط با مزایای خاتمه خدمت قابل پرداخت که از تصمیم واحد تجاری برای خاتمه خدمت کارکنان ایجاد شده است، واحد تجاری در صورتی دیگر نمیتواند پیشنهاد را لغو کند که طرح خاتمه خدمتی که تمام معیارهای زیر را احراز می‌کند، به اطلاع کارکنان متأثر از طرح رسیده باشد:

الف. اقدامات لازم برای تکمیل طرح نشان دهد که احتمال تغییر قابل ملاحظه در طرح بعید است.

ب. طرح، تعداد کارکنانی که خدمت آنها خاتمه می‌یابد، طبقه‌بندی مشاغل یا وظایف و موقعیت آنها (اما نه

لزوماً برای تک تک کارکنان) و تاریخ تکمیل مورد انتظار را مشخص کند.

پ. طرح، مزایای خاتمه خدمتی را که کارکنان دریافت خواهند کرد، با جزئیات کافی برای کارکنان مشخص کند، به گونه ای که کارکنان بتوانند نوع و مبلغ مزایای دریافتی هنگام خاتمه خدمت را تعیین کنند.

168. هنگامی که واحد تجاری مزایای خاتمه خدمت را شناسایی می‌کند، واحد تجاری ممکن است مجبور شود تغییر طرح یا محدود سازی سایر مزایای کارکنان را نیز به حساب منظور کند (به بند 103 مراجعه شود).

اندازه‌گیری

169 واحد تجاری باید مزایای خاتمه خدمت را در زمان شناخت اولیه، اندازه‌گیری کند و تغییرات بعدی را طبق ماهیت مزایای کارکنان اندازه‌گیری و شناسایی نماید، مشروط بر اینکه اگر مزایای خاتمه خدمت موجب افزایش مزایای دوران بازنشستگی شود، واحد تجاری باید الزامات مزایای دوران بازنشستگی را بکار گیرد. در غیر این صورت:

الف. اگر انتظار رود مزایای خاتمه خدمت، پیش از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری سالانه‌ای که مزایای خاتمه خدمت در آن شناسایی می‌شود، بطور کامل تسویه شود، واحد تجاری باید الزامات مزایای کوتاه مدت کارکنان را بکار گیرد.

ب. اگر انتظار نرود که مزایای خاتمه خدمت پیش از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری سالانه بطور کامل تسویه شود، واحد تجاری باید الزامات سایر مزایای بلندمدت کارکنان را بکار گیرد.

170. از آنجا که مزایای خاتمه خدمت، در ازای خدمت ارائه نمی‌شود، بندهای 70 تا 74 در ارتباط با تخصیص مزایا به دوره‌های خدمت کاربرد ندارد.

مثال مربوط به بندهای 159 تا 170

پیش‌زمینه

در نتیجه تحصیلی که جدیداً انجام شده است، واحد تجاری برای تعطیل کردن کارخانه در مدت ده ماه برنامه‌ریزی می‌کند و در آن زمان، به خدمت تمام کارکنان باقیمانده در کارخانه خاتمه می‌دهد. از آنجا که واحد تجاری به تخصیص کارکنان کارخانه به منظور تکمیل برخی قراردادهای نیاز دارد، طرح خاتمه خدمت را به شرح زیر اعلام کرده است.

هر یک از کارکنانی که تا زمان تعطیلی کارخانه باقی بمانند و خدمت ارائه کنند، در تاریخ خاتمه خدمت، معادل 30,000 واحد پول بطور نقدی دریافت خواهند کرد.

مثال مربوط به بندهای 159 تا 170

کارکنانی که پیش از تعطیلی کارخانه، واحد تجاری را ترک کنند، 10,000 واحد پول دریافت خواهند کرد. 120 نفر در کارخانه مشغول به کار هستند. در زمان اعلام طرح، واحد تجاری انتظار دارد 20 نفر از کارکنان، قبل از تعطیلی کارخانه واحد تجاری را ترک کنند. بنابراین، کل جریانهای نقدی خروجی مورد انتظار طبق طرح، 3,200,000 واحد پول است (یعنی $30,000 \times 100$ واحد پول + 10,000 واحد پول $\times 20$). طبق الزام بند 160، واحد تجاری مزایای ارائه‌شده در ازای خاتمه خدمت کارکنان را به عنوان مزایای خاتمه خدمت در نظر می‌گیرد و مزایای ارائه‌شده در ازای خدمت را به عنوان مزایای کوتاه‌مدت کارکنان به حساب منظور می‌کند.

مزایای خاتمه خدمت

مزایای ارائه‌شده در ازای خاتمه خدمت 10,000 واحد پول است که معادل مبلغی است که واحد تجاری ناگزیر است صرف‌نظر از ماندن و ارائه خدمت تا زمان تعطیلی کارخانه یا ترک واحد تجاری قبل از تعطیلی، در ازای خاتمه خدمت بپردازد. حتی اگر کارکنان بتوانند قبل از تعطیلی واحد تجاری را ترک کنند، خاتمه خدمت تمام کارکنان، نتیجه تصمیم واحد تجاری برای تعطیلی کارخانه و خاتمه خدمت آنها است (یعنی زمانی که کارخانه تعطیل شود، خدمت تمام کارکنان خاتمه می‌یابد). بنابراین، واحد تجاری بدهی به مبلغ 1,200,000 واحد پول (یعنی 10,000 واحد پول $\times 120$) بابت مزایای خاتمه خدمت ارائه‌شده طبق طرح مزایای کارکنان، زمانی که خاتمه خدمت اعلام می‌شود یا زمانی که مخارج تجدید ساختار مربوط به تعطیلی کارخانه شناسایی می‌شود، هر کدام زودتر باشد، شناسایی می‌کند.

مزایای فراهم‌شده در ازای ارائه خدمت

مزایای اضافی که کارکنان در صورت ارائه خدمت در کل دوره ده ماهه دریافت می‌کنند، در ازای خدماتی است که در آن دوره ارائه کرده‌اند. واحد تجاری، این مزایای اضافی را به عنوان مزایای کوتاه‌مدت کارکنان در نظر می‌گیرد، زیرا واحد تجاری انتظار دارد آنها را قبل از دوازده ماه پس از پایان دوره گزارشگری سالانه تسویه کند. در این مثال، تنزیل لازم نیست، بنابراین هزینه‌ای معادل 200,000 واحد پول (یعنی $2,000,000 \div 10$ واحد پول) در هر ماه طی دوره خدمت ده ماهه، متناسب با افزایش مبلغ دفتری بدهی، شناسایی می‌کند.

افشا

171. با وجود اینکه در این استاندارد، افشای خاصی درباره مزایای خاتمه خدمت الزامی نیست، سایر استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی ممکن است این موارد افشا را الزامی کنند. برای مثال، در استاندارد بین‌المللی حسابداری 24، افشای مزایای مدیران اصلی و در استاندارد بین‌المللی حسابداری 1، افشای هزینه مزایای کارکنان الزامی شده است.

تاریخ اجرا و گذار

172. واحد تجاری باید این استاندارد را برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول ژانویه سال 2013 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این استاندارد را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

173. واحد تجاری باید این استاندارد را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 8 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، با تسری به گذشته بکار گیرد، مگر اینکه:

الف. نیاز نباشد واحد تجاری مبلغ دفتری داراییهای خارج از دامنه کاربرد این استاندارد را بابت تغییرات در مخارج مزایای کارکنان، که پیش از تاریخ بکارگیری اولیه به عنوان بخشی از مبلغ دفتری منظور شده است، تعدیل کند. تاریخ بکارگیری اولیه، ابتدای نخستین دوره گذشته ارائه‌شده در صورتهای مالی است که واحد تجاری این استاندارد را برای تهیه آن بکار می‌گیرد.

ب. در صورتهای مالی دوره‌هایی که پیش از اول ژانویه سال 2014 شروع می‌شود، واحد تجاری نیازی به ارائه اطلاعات مقایسه‌ای به منظور رعایت الزامات افشای الزامی طبق بند 145 درباره تحلیل حساسیت تعهدات مزایای معین نداشته باشد.

174. استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13، منتشر شده در می سال 2011، تعریف ارزش منصفانه در بند 8 را اصلاح و بند 113 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این اصلاحات را هنگام بکارگیری استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی 13 بکار گیرد.

175. طرحهای با مزایای معین: کمکهای کارکنان (اصلاحات استاندارد بین‌المللی حسابداری 19)، منتشر شده در نوامبر سال 2013، بندهای 93 تا 94 را اصلاح کرد. واحد تجاری باید این

اصلاحات را طبق استاندارد بین‌المللی حسابداری 8 رویه‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای حسابداری و اشتباهات، برای دوره‌های سالانه‌ای که از اول جولای سال 2014 یا پس از آن شروع می‌شود، با تسری به گذشته بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

176. اصلاحات سالانه استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی- دوره 2012 تا 2014، منتشرشده در سپتامبر سال 2014، بند 83 را اصلاح و بند 177 را اضافه کرد. واحد تجاری باید این اصلاح را برای دوره‌های سالانه‌ای که از ابتدای ژانویه سال 2016 یا پس از آن شروع می‌شود، بکار گیرد. بکارگیری پیش از موعد مجاز است. اگر واحد تجاری این اصلاحات را پیش از موعد بکار گیرد، باید این موضوع را افشا کند.

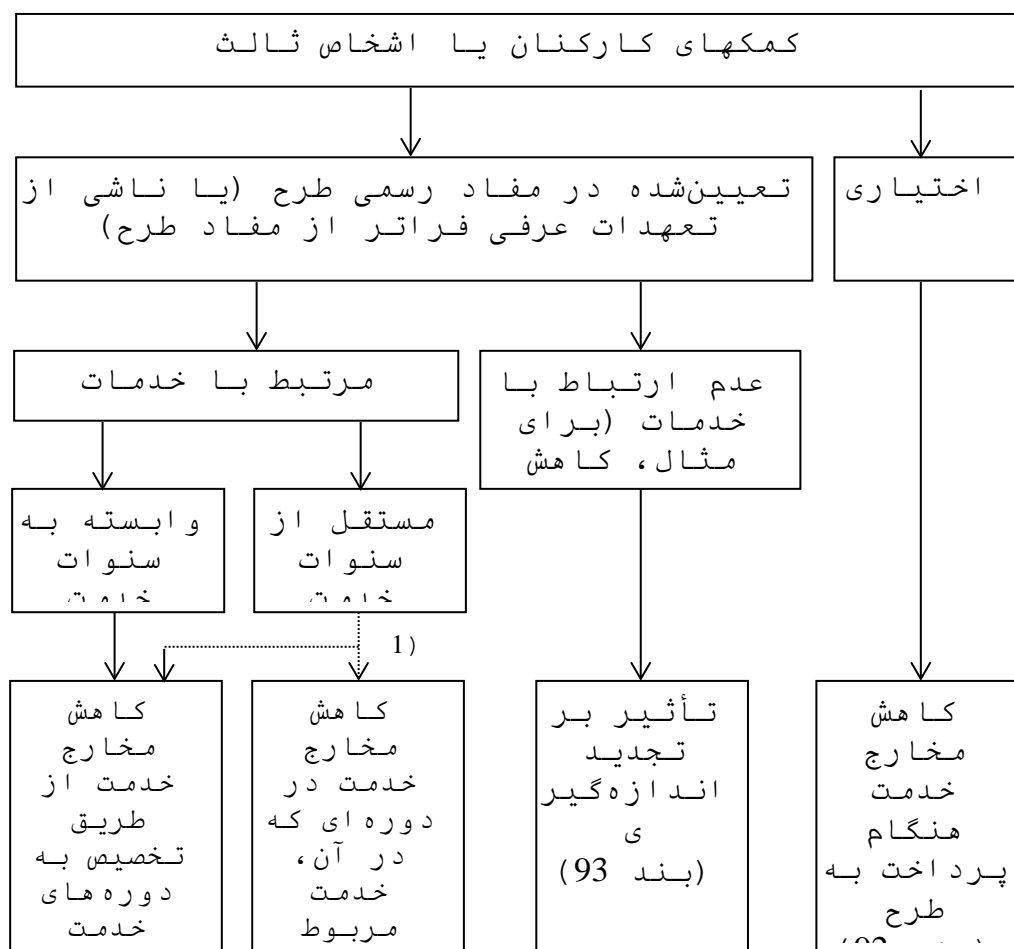
177 واحد تجاری باید اصلاحات مندرج در بند 176 را از آغاز نخستین دوره مقایسه‌ای ارائه‌شده در نخستین صورتهای مالی بکار گیرد که این اصلاحات، در تهیه آن مورد استفاده قرار گرفته است. تعدیلات اولیه ناشی از بکارگیری این اصلاحات باید در سود یا زیان انباشته در ابتدای آن دوره شناسایی شود.

پیوست الف

رهنمود بکارگیری

این پیوست، بخش جدانشدنی این استاندارد بین‌المللی گزارشگری مالی است. در این پیوست، کاربرد بندهای 92 تا 93 تشریح می‌شود و همانند سایر بخشهای این استاندارد، لازم‌الاجرا است.

الف1. الزامات حسابداری مربوط به کمکهای کارکنان یا اشخاص ثالث در نمودار زیر به تصویر کشیده شده است.



(1) فلش نقطه‌چین، به این معنی است که واحد تجاری مجاز است یکی از این روشها را انتخاب کند.